

تشریف آوری
جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای " عرفانی "
والا خیر مقدم می‌گوشیم.



سال چهارم شماره ۵۷

بولتن خبری

سازمان بصرفه‌هاستان

چهارشنبه هفتم جدی (دیماه) ۱۳۶۷ مطابق با
۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۹ و ۲۸ دسامبر ۱۹۸۸ میلادی

آدرس: تهران - منطقه پستی ۱۳ - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۱۵۵

آمار تلفات یکساله روسها و دولت مزدور

يك سال ديگر از اشغال سرزمين اسلامي افغانستان توسط ارتش سرخ گذشت و در طی اين يكسال با وصف اينكه روسها ادعای عدم جنگ و عقب نيشنی از افغانستان را سر داده اند، و رژيم وابسته به روس از آشتی ملی و صلح دم میزند، ولی جنسك بيش از گذشته ها شدت داشت و خوانندگان توجه خواهند كرد كه آمار تلفات و خسارات روسها و مزدوران شان در اين سال بيش از سالهای قبل میباشد.

اينك توجه تان را به آمار يكساله تلفات و خسارات كه در بولتن خبری سازمان نصر افغانستان درج شده است جلب می كنيم. و لازم به یاد آوری است كه اين ارقام به هیچ وجه در بر گیرنده كل تلفات و خسارات نیست، زیرا: بولتن خبری نظر به محدودیت های كه دارد موفق به درج تمامی اخبار و گزارشات افغانستان نیست. فقط گوشه های از حوادث كشور خونین افغانستان را به نمایش گذاشته است.

تلفات و خسارات دشمن از شش جدی سال ۱۳۶۶ تا ششم جدی ۱۳۶۷

* طیاره:	۱۱۹ فروند
* تانگوزرهپوش:	۱۰۴۰ دستگاه
* كشته روس:	۵۷۸ تن
* كشته دولتی:	۴۸۵۰ تن
* كشته مشترك:	۲۳۸۲ تن
* افسران كشته شده:	۱۵۰ تن
* مجروح روس:	۲۵۷ تن
* مجروح دولت:	۹۵۸ تن
* تسليم شده ها:	۱۱۳۹۶ تن
* اسرا مقامات دولت:	۵۲ تن
* غذایم جنگی:	
* تانك:	۷۵ عراده
* لاری (كامیون):	۱۰۵ عراده
* كلاشینكف:	۳۵۵۵ قبضه
* سلاح ثقيله:	۸۶ پایه

با عرض پوزش از تعقیب کنندگان اخبار و گزارشات حوادث افغانستان خوشبین
از طریق بولشن خبری سازمان نصر افغانستان ، اینک پس از يك وقفه چند ماهه بسیار
دیگر توجه تان را به اخبار و گزارشات آن سازمان جلب می کنیم . بخاطر اینکه از حوادث
چند ماه گذشته هم چیزك های بدانیم ، مرور داریم به نکات برجسته آن :

اخبار و گزارشات ماه سنبله (شهریور) ۱۳۶۲

* ۳ سنبله در اثر سقوط پایگاه کیله گی در شمال کابل یکصد و نودتن از نظامیان و غیر
نظامیان روس ورژیم مزدور آن به هلاکت رسیدند و هشت هلیکوپتر روسی منهدم گردید .

* ۵ سنبله مجاهدین مسلمان افغانستان طی عملیاتی شهر طالبان مرکز ولایت
نخار را آزاد کردند .

* ۶ سنبله ولایت بامیان در مرکز افغانستان توسط انقلابیون مسلمان آزاد شد .

* ۷ سنبله مجاهدین مسلمان میدان هواشی کابل را مورد حملات موشکی قرار دادند و هم
چنان مجاهدین ولایت کندوز ضمن کشته و مجروح کردن تعداد زیاد از نیروهای اشغالگر
و دولتی پانصد تن از آنها را به اسارت گرفتند .

* ۹ سنبله - واشنگتن پست : مقامات امریکائی معتقدند که بمباران مواضع انقلابیون -
در شهر کندوز از داخل خاک شوروی نقض این مواظفنامه (ژنو) تلقی می شود .

* ۱۰ سنبله - گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه روسیه : این طیارات برای کمک به
نیروهای دولت افغانستان در شهر محاصره شده کندوز و حمایت از عساکر شوروی و -
اتساع این کشور که هنوز در این منطقه هستند فرستاده شدند . عملیات طیارات شوروی
نتیجه مستقیم توافق "ژنو" با پاکستان است .

* ۱۲ سنبله انقلابیون مسلمان افغانستان ۴ طیاره ^{بنابر اندیشه} ~~میگد~~ و ۶ هلیکوپتر رژیم کابل را بر
فراز ولایت بامیان سرتگون کردند . و ۱۵۰ تن از نیروها دولتی کشته و ۷۰۰ تن به
اسارت مجاهدین درآمدند . و ۲ فروند طیاره حمل و نقل نظامی در میدان هواشی کابل
منهدم شد .

* ۱۴ سنبله - بیش از یک هزار عسکر رژیم کابل همراه با سلاح های شان در ولایات شمال
همرز باروسیه به صفوف انقلابیون پیوستند . و در طی آزاد سازی بامیان بیش از ۱۵۰ -
صاحب منصب و درجه دار به انقلابیون پیوسته اند .

* ۱۵ سنبله - در اثر بمباران طیارات رژیم کابل در ۲۰ کیلومتری پیشاور پاکستان یکتن
کشته و ۲۳ تن دیگر زخمی شدند .

* ۱۷ سنبله - انقلابیون مسلمان افغانستان ۶۰ تن از نیروهای رژیم کابل را در ولایت فراه به هلاکت رساندند. و پاکستان یک طیاره جنگی (اس یو - ۲۵) رژیم کابل را در فراز خاکش سرنگون نمود.

اخبار ماه میزان (مهر) ۱۳۶۷.

* ۲ میزان - رژیم کابل هفت تن از ژنرالهای ارتش را تنزل رتبه داد و این مسئله در پستی فرار افسران و عساکر و پیوستن شان به انقلابیون مسلمان صورت گرفته است.

* ۵ میزان - آقای گیلانی تقاضای احمدشاه از سازمان ملل برای به رسمیت شناختن دولت موقت افغانستان را یک تمایل شخصی توصیف کرد.

* ۷ میزان - ادوارد دشوار دنا دزه : خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان بدلیل نقض مداوم توافق مربوط به مسئله افغانستان متوقف شده است.

۱. آمریکا پیشنهاد شوروی در مورد تشکیل اجلاس اضطراری پنج عضو دائم شورای امنیت برای بحث در مورد پایبندی به پیمان صلح "ژنو" در مورد افغانستان را رد کرد.

* ۹ میزان - یک هلیکوپتر رژیم کابل توسط مجاهدین مسلمان افغانستان در پکتیا سرنگون و سی تن از سر نشینان آن کشته شدند.

۱۱ میزان - پارلمان روسیه روز شنبه ۹ میزان به اتفاق آراء استعفای ویکتور چیریکوف - رئیس کا - جی - ب را پذیرف و بجای او یکی از معاونینش را بنام ویلادیمیر کریوچکوف رئیس کا - جی - ب انتخاب کرد. و گرباچف پس از کناره گیری گرومیکو رئیس جمهور روسیه شد.

* ۱۲ میزان - در نبرد های زرمات پکتیا مجاهدین موفق شدند سه دستگاه تانک سالم

۱۵۰ عدد سلاح سبک و شش دستگاه هاوان (خمپاره) ، ۱۶ عدد ضد هوایی و ۲ عراده ...

توپ محراقی را به غنیمت گرفتند و در اثر اشتباه طیارات رژیم کابل ۱۱۰ تن نفرات خود شان به هلاکت رسیدند.

* ۱۳ میزان - مجاهدین مسلمان افغانستان یک میکروسی را در فراز شهر فراه در غرب

افغانستان سقوط دادند و در عملیات دیگر مجاهدین ۱۵ تانک زرهی و نفر تر و حسندود

۱۸۰ قبضه سلاح سبک را به غنیمت درآوردند.

* ۱۴ میزان - مجاهدین مسلمان هرات ۴ دستگاه تانک زرهی را منهدم و ۴۷ تن از نیروهای

دولتی را به هلاکت رساندند.

* ۱۶ میزان - اورگون - اسمار - و تخته پل در ولایات یگنیا - قندهار به تصرف مجاهدین در آمد و در تخته پل ۱۵۰ تن عساکر دولتی به مجاهدین تسلیم شدند و آزاد سازی - اسمار ۵۶۲ تن از سر بازاران از جمله ۲۲ افسر به اسارت مجاهدین درآمدند و ۱۰۱۲ عدد کلانچینکف و ۳ دستگاه شامگه به غنیمت مجاهدین درآمد.

* ۱۷ میزان - امریکا اعلام کرد کارشناس و متخصصین خدشی سازی مین و اسیدام تلسسه های انفجاری را برای آموزش به پناهندگان افغانستان به پاکستان می فرستد.

* ۱۹ میزان - در اثر آزاد سازی اسمار ۲۰۰ تن از سر بازاران خود را به مجاهدین تسلیم کردند و از طرف دیگر مجاهدین شش هلیکوپتر را در ولایت فغانستان - وردک و غرنی سرنگون کردند.

و پس از شکست نیروهای دولت از اسمار آنها بدب دایلم علیه مجاهدین استعمال کردند.

* ۲۰ میزان - مجاهدین پس از درگیری شدید با سعاد آباد ولایت کنر را به تصرف خویش آوردند و در اثر حمله مجاهدین به شمال کابل ۴۸ تن از نیروهای دولتی کشته و پنج دستگاه تانک آنها منهدم شد.

* ۲۱ میزان - حسن شوق صدراعظم رژیم مزدور کابل روز چهارشنبه (۲۰ میزان) اعسلام آمادگی کرد که برای دیدن ظاهر شاه خائن به رم برود.

* ۲۲ میزان - در پی یک نبرد شدید در کتواز ۹۰۰ نفر از جمله ۴۰۰ شبه نظامی دولتی به اسارت مجاهدین درآمدند.

* ۲۳ میزان - یک طیاره روسی در حین بمباران مواضع مجاهدین در فراء سرنگون شد و در جنگ های زابل ۲۸ قبضه سلاح به غنیمت مجاهدین درآمد.

* ۲۵ میزان - پس از آزاد سازی قلات یک هلیکوپتر که حامل تدارکات بود سرنگون شد.

* ۲۸ میزان - ۱۵ نظامی رژیم روسی کابل در حمله عیوشکی انقلابیون مسلمان به میدان هواشی کابل کشته شدند و امیدان هواشی دچار خسارات سنگین شد.

اخبار ماه عقرب (آبان) ۱۳۶۷

* اول عقرب - نجیب گاو رئیس جمهور رژیم کابل تشکیل وزارتخانه ای تحت عنوان امور اسلامی را اعلام کرد و کوردوز از ظاهر خاشن خواست به تشکیل یک دولت در افغانستان کمک کند.

* ۲ عقرب - منگل که به تازگی از افغانستان گریخته است گفت: نیروهای روسی در افغانستان همچنان در ۲۱۵ پایگاه نظامی استقرار دارند و در میزان مستشاران روسی در وزارت دفاع کابل کاسته نشده است.

* ۸ عقرب - روسیه طیارات پیشرفته مخصوص تهاجم زمینی خود را در پایگاه هوایی هواپیماهای افغانستان مستقر کرد. برهان الدین ربانی اعلام کرد: مجاهدین میتوانند با یولی ورنسوف بعنوان معاون اول وزارت خارجه روسیه نه بعنوان سفیر روسیه در کابل ملاقات کنند.

* ۹ عقرب - مجاهدین مسلمان افغانستان دو هلیکوپتر را در پکتیا و زابل سرنگون کردند و ولایت کابل مجاهدین ۲۶ عسکر کابل را هلاک نموده ۱۱ مراده وسایل نقلیه نظامی و هفت دستگاه تانک را منهدم کردند.

* ۱۰ عقرب - ۵۰ جنگنده روسی طی چهار ماه گذشته در افغانستان سقوط کرده است.

* ۱۲ عقرب - نیویورک تایمز نوشت: در يك اقدام تازه برای بدست آوردن کنترل اوضاع در کابل روسها میکوشند فرد تازه ای را بجای ژنرال نجیب برای حکومت افغانستان نامزد کنند.

* ۱۴ عقرب - مجمع عمومی سازمان ملل روز پنجشنبه ۱۲ میزان برای نخستین بار به اتفاق آراء، خواستار يك دولت آشتی ملی در افغانستان و پایان دخالت خارجی در امور داخلی این کشور شد.

* ۱۴ عقرب - مجاهدین شهر مهم مرزی ترخم را پس از نبرد شدید دو روزه به تصرف خود درآوردند و ۱۴۰ تن از عساکر تسلیم مجاهدین شد.

* ۱۵ عقرب - يك صد نفر از عساکر ارتش اشغالگر روسیه طی عملیاتی توسط انقلابیون به اسارت در آمده و عده دیگر نیز زخمی شدند.

* ۱۶ عقرب - ۱۸۲ تن از مردم مسلمان افغانستان در حمله میگ ۲۷ روسها مجروح و ۶۳ تن دیگر شهید شدند و در حمله شهر قندهار توسط میگهای روسی بیست غیرنظامی کشته و هشتاد تن دیگر مجروح شدند.

* ۱۷ عقرب - آقای صابری یکی از مسئولین سازمان نصر افغانستان در ولایت پنجگران گفت: اخیرا طرح اتحاد همه گروههای شیعه در داخل افغانستان مطرح شده و تا کنون مجاهدین تحت امر سازمان نصر - پاسداران جهاد اسلامی و نیروی اسلامی افغانستان حول يك فرماندهی مشترك به اتحاد کامل رسیده اند و سایر گروهها نیز به سر راهی

پیوستن به این اتحاد برخورد مثبت داشته اند که با منتظر جواب قطعی آنها هستیم.

* ۱۷ عقرب ۴ فروند طیاره قوای مشترک توسط انقلابیون مسلمان افغانستان سرنگون شدند و در درگیری های قندهار ۴۶ تن از کمونیست ها کشته شدند.

* ۱۸ عقرب - سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران: روسها باید تمامی نیروهای خود را در اسرع وقت از قلمرو کشور اسلامی و همسایه افغانستان خارج کنند.

* ۲۰ عقرب - مجاهدین مسلمان هرات با حمله به پایگاه دولتی ۱۲۲ تن از نیروهای آنها را به هلاکت رسانیده و شیرمحمد یکی از ژنرالهای رژیم کابل توسط انقلابیون کشته شد.

* ۲۳ عقرب - طی ۴۲ ساعت چهار طیاره قوای مشترک توسط انقلابیون مسلمان سرنگون شد. و ۹۸۰ عسکر دولتی کشته و ۹۸ تن دیگر به اسارت مجاهدین درآمدند. و نیز ۱۲۲ تن دیگر در شاهراه هرات - قندهار کشته شدند.

* ۲۴ عقرب - در جریان تظاهرات اعتراض آمیز مردم مسلمان قندهار علیه دولت و روسها ۴ تن شهید و ۵ تن دیگر مجروح شدند.

* ۲۵ عقرب - پس از ارسال سلاحهای جدید روسیه به رژیم کابل انقلابیون مسلمان طوسی عملیات در شاهراه سالنگ ۲۵ دستگاه تانک و خود روی نظامی روس را منهدم کردند.

* ۲۹ عقرب - آقای بشارتی معاون وزیر خارجه ایران در دیدار با ولادیمیر گودف سفیر روسیه در تهران گفت: ما آماده همکاری جهت خروج سریع نیروهای روسی از افغانستان و ایجاد زمینه های لازم جهت تعیین سرنوشت افغانستان توسط مردم آن کشور هستیم.

* اخبار ماه قوس (آذر) ۱۳۶۷

* اول قوس - طیاره های روس شنبه شب و سحرگاه روز یکشنبه ۲۷-۲۸/۸/۶۷ بروی چندین شهر کوچک ولایت ننگرهار بمبهای حاوی گاز سمی ریختند.

* ۲ قوس - تعداد طیارات میگ ۲۷ روس روز ۱۴ نوامبر یک شفاخانه را بمباران کردند - که در اثر آن حدود یکصد تن کشته شدند.

* ۳ قوس - ملکه انگلیس طی نطقی در مراسم بازگشایی پارلمان انگلیس اعلام کرد که دولت انگلیس خروج کامل نیروهای روسیه از خاک افغانستان را از نزدیک دنبال خواهد کرد.

کرده و می کوشد کار برد سلاحهای شیمیایی در جهان را ممنوع سازد.

* ۸ قوس - انقلابیون مسلمان افغانستان طی چند رشته عملیات ضمن آزاد سازی یسک منطقه نظامی در ولایت ننگرهار بیش از یکصد وسی تن از نیروهای کمونیست را کشته و با زخمی کردند.

* ۱۲ قوس - نخستین دور از مذاکرات مقامات روسیه و مجاهدین ائتلاف هشتگانه برهبری برهان‌الدین ربانی در شهر طاشف عربستان برگزار شد.

* ۱۴ قوس - انقلابیون مسلمان افغانستان یکصد تن از نیروهای رژیم کابل را در شهر کابل به هلاکت رسانیده اند و یکصد و چهار قبیضه کلاشینکف را به غنیمت گرفتند.

* ۱۶ قوس - ورنسف: ما قصد داریم سال ۱۹۸۹ را به سال صلح در افغانستان تبدیل کنیم. آقای ربانی: انجام مذاکرات نشانگر برسمیت شناخته شدن مجاهدین از نقطه نظر سیاسی است.

* ۲۰ قوس - گریاچف در مجمع عمومی سازمان ملل: ما برای ترمیم زخمهای ناشی از جنگ حاضریم چه از طریق سازمان ملل و چه از طریق روابط دو جانبه به افغانستان کمک کنیم.

گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی شورای ائتلاف اسلامی در تهران:

عصر روز یکشنبه "۱۳۶۷/۹/۲۲" کنفرانس مطبوعاتی از طرف اعضای شورای ائتلاف اسلامی هشتگانه در دفتر این شورا واقع در خیابان افریقا تهران برگزار شد. در این کنفرانس جمعی از خبر نگاران خارجی و داخلی شرکت جستند. ابتدا آقای خلیلی سخنگوی شورای ائتلاف و عضو کادر مرکزی سازمان نصر افغانستان ضمن معرفی اعضای شرکت کننده به حاضرین تحولات جدید افغانستان را اینگونه بیان داشتند:

"در این اواخر که فصل جدیدی در انقلاب باز شده و ملت مسلمان افغانستان به مرحله جدید و تحول تازه، فرار گرفته و آن عبارت از این است که دشمن تلاش داشت که پس از شکست در بعد نظامی در برابر مردم افغانستان در بعد سیاسی و بخصوص مذاکرات "ژنو" به اهداف خود دست یابد. و همچنان روسها تلاش داشتند که روند مذاکرات سیاسی مجاهدین و ملت افغانستان را کنار بزنند ولی سرانجام مذاکره ژنو بدون حضور نمایندگان مردم در بین نماینده دولت پاکستان و رژیم وابسته و کودتایی کابل، معاهده نامه ای به امضاء رسید و به توافق ژنو انجامید. مردم افغانستان - حاضرین روسیه را به مذاکره رویاروی یک پیروزی بزرگی برای خود شان حساب می کنند و همه ای نیروهای مقاومت به این افتخار نایل آمده که دشمن با تمام تلاش هاییش سرانجام تن به این حقیقت داد که باید با مجاهدین و نیروهای مقاومت و نمایندگان مردم افغانستان به مذاکره بنشینند."

مذاکره رویاروی بین مجاهدین و روسها شکستی است برای روسها و ناکامی است برای تلاشهای قبلی روسها. چون قبلا تلاش داشتند که مجاهدین را کنار بزنند که نشد. و این خود پیروزی است برای مردم افغانستان و نیروهای مقاومت اسلامی. سپس اعضای شورای ائتلاف هر کدام به نوبه خود سه سؤالات خبرنگاران پاسخ گفتند در اخیر آقای "خلیلی" در مصاحبه اختصاصی شرکت نمودند. ابتداء خبرنگار صدا و سیما می جمهوری اسلامی ایران سؤال خود را اینطور مطرح کرد:

س - به منظور برقراری صلح در افغانستان اخیرا پیشنهادات از سوی گریباچف به شما شده بفرمائید که نظرات نان بعنوان سخنگوی شورای ائتلاف چیست ؟
ج - بسم الله الرحمن الرحيم :

آقای گریباچف در سازمان ملل يك سری مسایل جدیدی را پیشنهاد کردند که از دید ما نه تنها صلح را در افغانستان برقرار نخواهد کرد ، بلکه بر اشکالات افغانستان پیشنهادات گریباچف می افزاید . مردم افغانستان و همه نیروهای مقاومت خصوصا شورای ائتلاف اسلامی ، آتش بس با روسها و رژیم کودتاشی را نمی پذیرد و جهاد مسلحانه تا سقوط رژیم کودتاشی ادامه پیدا خواهد کرد . و حضور نیروهای -



صلح از سازمان ملل در افغانستان و همچنین تشکیل کنفرانس بین المللی جهت تعیین سرنوشت آینده افغانستان از دیدگاه مردم افغانستان ^{۱۳۸۱} با حکومت و مردم افغانستان به هیچ وجه این پیشنهادات را نمی پذیرد و رد می کند . در رابطه با قطع کمک به رژیم کودتاشی از طرف گریباچف که در سازمان ملل پیشنهاد شده ، ما امیدواریم که مسئولین روسیه و خصوصا آقای گریباچف در عمل ثابت کنند و در عمل روشن کنند که دست از حمایت رژیم کودتاشی برداشته اند ، ما بطور قطع امیدواریم که با قطع کمک های روس در رابطه با رژیم کودتاشی ، مسلم رژیم کودتاشی از بین میرود و سرنگون میشود .

س - شورای ائتلاف چه نظری در مورد مذاکرات طائف دارد ، آیا این مذاکرات را می پذیرد ؟

چ . ما مذاکرات را در رابطه با وضعیت فعلی يك پیروزی جدید برای مردم افغانستان در مقابل پیروزی های قبلی میدانیم ، زیرا : روسها تلاش جدی داشتند که مسئله افغانستان را بدون حضور نیروهای مقاومت و احزاب اسلامی ، حل کنند . ولی مذاکرات " زنو " که در این راستا برگزار شده بود ، شکست خورد . و لذا روسها - سرانجام تن به این واقعیت دادند که چاره ندارند غیر از اینکه در رابطه با راه - حل مسئله افغانستان ، با خود مجاهدین و احزاب اسلامی چه در پاکستان و چه در ایران مذاکره نمایند .

و نقش این مذاکرات از دید ما يك پیروزیست . ولی در رابطه با کیفیت مذاکره يك چیزی طبیعی است که جامع نیست و يك قسمت از مجاهدین حضور داشتند و باقی احزاب چه شورای ائتلاف و چه سایر نیروهای برادران اهل سنت که در پیشاور هستند در این مذاکره شرکت نداشتند و این ضعف عمده در آن مذاکرات بود .

والسلام



گزارشی از راهپیمائی ششم جدی امسال در تهران

۶ جدی (دیماه) روزیست که ده سال قبل در چنین روزی ابرقدرت شرق يك پسر دیگر قدرت میلیتارستی خود را به نمایش گذاشت و با زورگوشی علیه ملت مظلوم و بی دفاع افغانستان، علنا دست به اشغال نظامی این کشور اسلامی زد. از همان ابتدا اشغال، ملت مسلمان و خداجوی افغانستان در یافتند که با يك غول وحشی کینه تا آن زمان بسیاری از سرزمین های همسایه خود را بلعیده بود، مواجه اند. به همین دلیل مبارزات حق طلبانه شان را بیش از پیش شدت بخشیدند، زیرا ملت افغانستان به خوبی دریافته بود که هر گاه در نبرد علیه متجاوزین روسی از خود سستی نشان بدهند، افغانستان "ترکستانی" دیگر خواهد شد. بنابراین ۹ سال تمام سنگین ترین حملات روس های وحشی را تحمل کردند و دشواریهای انقلاب را بخاطر آزادی اسلام و میهن پشت سر گذاشتند، و این شکیبائی و استقامت را تا زمانی ادامه دادند، که تمام ترفند های روس برملا گشت. و روسهای وحشی خود به شکست دستیار خود و مزدوران بی اراده خود اعتراف کردند. سر انجام مجبور شدند علی رغم لاف پسند ها و تبلیغات زهر آگین شان علیه مجاهدین مسلمان، آنها را به رسمیت بشناسند و با آنها شکی که تا دیروز اشرار و مزدوران امپریالیزم غرب معرفی می کردند، اینک بعنوان نمایندگان ملت دور يك میز به مذاکره بنشینند. هر چند این يك موفقیت بزرگ - برای گروه های مجاهدین به حساب می آید، ولی این نکته را نباید نادیده گرفت که روسهای وحشی بد جانورانی هستند که هر گز از خون سیر نمی گردند. در این روز ها بازار حرکت های دیپلوماسی در اطراف افغانستان بخاطر حسل بحران این کشور فلاکت زده فوق العاده گرم است. همزمان با نزدیک شدن سالروز اشغال

نظامی افغانستان از سوی روسهای وحشی، يك هیئت بلند پایه از احزاب افغانستانی مقیم پاکستان جهت مذاکره و تبادل نظر با نمایندگان گروه های مقیم ایران، وارد تهران شدند که گفتگوهای شان از قرار اطلاع ثمر بخش بوده و در این راستا اعلامیه مشترکی هم انتشار دادند که در شماره آینده درج خواهد شد. همچنین آقای "عرفانی" نماینده و پیام رسان گروه های اتحادی نیز به تهران رسیدند.

سالروز اشغال افغانستان اصسال مقارن با این فعل و انفعالات بود و طبیعا با شکسته تر و خروشنده تر از هر سال ، مراسم تقبیح عمل وحشیانه روس برگزار شده است ، به خاطر عدم گنجایش فقط به تظاهرات تهران اشاره می کنیم .

صبح سه شنبه ۶ جدی تهران وضع دیگری داشت ، زیرا هموطنان مهاجر ما کسبه قبلا از طریق رادیو خبر بر پائی تظاهرات را شنیده بودند ، صبح زود از هر کوره و پس کوره و هر کار گاه و گاو داری ها ۱۰۰ با قلب مملو از غم و اندوه آوارگی و غربت ولی با لبان شاد از موفقیت های مجاهدین و شکست روسهای وحشی ، به میدان بهارستان محل تجمع و نقطه آغاز راهپیمائی شتافتند . ساعت ۸/۳۰ راهپیمائی از میدان بهارستان به مقصد میدان امام حسین شروع شد ، عکسهای از شهدای گمنام - افغانستان همراه با پلاکارت های مبنی بر محکومیت تجاوز روس به خاک اسلامی بر شکوه و عظمت تظاهرات افزوده بود . شرکت کنندگان با سر دادن شعار های کوبنده و دشمن کش مسیر بهارستان - امام حسین را طی کردند و پس از تجمع در میدان امام حسین به تلاوت قرآن کریم گوش فرا دادند و آنگاه قطعه سرودی از سوی نوجوانان هموطنین اجرا شد و پس از آن آقای حقجو یکی از مسئولین جمعیت اسلامی افغانستان در ایران به ایراد سخنرانی پرداخت . سخنران اصلی مراسم آقای " خلیلی " عضو شورای مرکزی سازمان نصر افغانستان و سخنگوی شورای ائتلاف هشتگانه مقیم تهران بود . ایشان در قسمت از سخنان خود چنین فرمودند :

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۱

" امروز دشمن چه به صورت شرقی اش و چه بصورت غربی اش ، متوجه این مسئله است که اگر " وحدت " ، " یک پارچگی " و " اتحاد " مردم افغانستان بر قســرار بماند ، مردم افغانستان انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانده است . و نظام اسلامی را تشکیل خواهند داد و از اینجا ست که هم روس و هم امریکا ، بر آنند که این یک پارچگی و وحدت شمارا بر هم بزنند . روسها به اشکال مختلف نفاق را در پیش می گیرند امریکا بصورت دیگر پس از آنکه روسها بر آن شد که با نیروهای مقاومت اسلامی بنشینند ، مذاکره بنماید و مسئله افغانستان را با مذاکره نیروهای مقاومت ، چه شنبه و چه برادران اهل سنت حل کند . می بینیم سفیر امریکا در پاکستان مصاحبه ای می

نماید، حساسیت خاصی نشان می‌دهد که آنها شبکه در ایران است. بیستی چه؟ ایسن
دقیقا، نفاق افگنی دول غربی را در بین امت واحده اسلامی افغانستان بیان می‌نماید
که دشمن، هر دو در خطنفاق افگنی باید نیروهای مقاومت، احزاب اسلامی و تمساح
نیروهای جهاد گر متوجه این مسئله شوند. نگذارند که عمال امریکا و عمال روس و
قدرت های نفاق افکن در حاصه اسلامی ما، نفاق بوجود آورند و در این اواخر الحمد لله
تحرکات جدیدی از نیروهای اسلامی، احزاب و گروه های جهاد گر در صحنه تبارز است
و گام های مثبت و خوبی در جهت ایجاد هماهنگی و در جهت ایجاد یکپارچگی
و اتحاد مواضع واحد در برابر تحولات جدید، برداشته شود.

ما از برادران که مسافرت کردند و در جمهوری اسلامی ایران تشریف آوردند
تا با برادران که در اینجا هستند و احزاب جهاد گر که در ایران هستند، با هم
تفاهمی داشته باشیم. آمدن آنها و تفهم که صورت می‌گیرد، بزرگترین تحول در صحنه
انقلاب می‌دانیم، خصوصا هیئت که به سرپرستی برادر ما آقای "ربانی" تشریف
آوردند، استقبال می‌نمائیم و ما همیشه گفتیم و باز می‌گوئیم، تنها راه حل سیاسی
مسئله افغانستان ایجاد هماهنگی بین نیروهای مقاومت است.

پس از سخنرانی آقای "خلیلی" قطعنامه پایانی راهپیمایی در ۱۴ ماده قرشت

شد که با تکبیر حصار مورد تائید قرار گرفت. و در اخیر پرچم روسیه وحشی بعنوان
اعتراض در ادامه اشغال افغانستان به آتش کشیده شد. برنامه ساعت ۱۲/۳۰ به
پایان رسید.

والسلام



رژیم کابل اعلام کرد «ظاهر شاه» میتواند نقش مهمی در پایان دادن به جنگ ده ساله آن دولت با چریکهای مسلمان ایفا کند

شاه سابق میتواند با برقراری تعامل بین وهیستران تسلسل و دولت افغانستان نقش مفیدی در برقراری آشتی در افغانستان ایفا نماید.

مجاهدین افغان که کابل آنها را افرای میخواند روز یکشنبه گفتگوهای دو روزه با رهبران شورش مسلح در افغانستان به سرانجام رسید. رهبران شورش در این گفتگوها به رسمیت شناختن دولت قوی در افغانستان را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

گزارش دیگری حاکی است منابع رسمی و دولتی در کابل گفتگوها موجب انعکاس رژیم افغانستان در ماه ژانویه آینده بر روی نشریات در کابل شد.

موجب الله که ریاست هیات نمایندگی کشوری در این کشور را بعهده خواهد داشت در پاریس مذاکرات متعددی از جمله با معاون پروکولور دیوکل سازمان ملل متحد پیرسون آیتا، افغانستان انجام خواهد داد.

تصمیم موجب الله به سرانجام شمرکت در کابل پاریس که تعداد بسیار کمی از سران کشورها در آن شمرکت میکنند موجب شگفتی محافل دولتیست که است.

حدود ۲۰ تن از افسران مسلح و مجاهدین مسلمان افغانی به شهادت رسیدند. لازم به یادآوریست جنگنده های میگ ۲۷ طی دو ماه گذشته از سوی شوروی در افغانستان رژیم کابل فروخته است. بر پایه این گزارش همچنین دو مستقیمه قتل رژیم کابل در دو عملیات جداگانه طی چند روز گذشته توسط مجاهدین مسلمان افغانی در شمال محور لغمان به سران رسید. شهادت و تعدادی از نیروهای دولتی کشته و بازمانده شدند.

پشتیبانی کابل از نقش ظاهر شاه در حل مسئله افغانستان

خبرگزاری جمهوری اسلامی دولت تحت الحمایه شوروی در کابل روز یکشنبه اعلام کرد که ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان میتواند نقش مهمی در پایان دادن به جنگ ده ساله آن دولت با چریکهای مسلمان افغان ایفا نماید.

رویتر یادآور شده است بیانه دولت افغانستان که بوسیله رادیو دولتی کابل پخش شد پیشینیه مسابقات پسابخش روز شنبه بولی ورتسلف معاون وزیر امور خارجه شوروی با ظاهر شاه در رم انتشار داده شد. در این پیشینه همچنین آمده است: وهیستران افغانستان و شوروی معتقدند که

بر چند - خبرگزاری جمهوری اسلامی: یک فروند میگ ۲۷ رژیم کابل در جریان بمباران نواحی مجاهدین مسلمان افغانی در ارتفاعات ساوو واقع در استان فراه طی چند روز گذشته بر اثر آتش موثر میلزین مسلمان سقوط کرد و مجاهدین آن بهلاکت رسید.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در جریان این بمباران که توسط چند فروند میگ پشرفته رژیم کابل صورت گرفت علاوه بر تخریب چندین واحد مسکونی

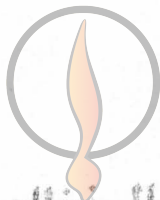


پیش به سوی استقرار جمهوری اسلامی در افغانستان!



سایه

سازمان نصر افغانستان



به مناسبت ششمین سالگرد اشغال نظامی افغانستان

بیجا اندیشه
تابش ۱۳۹۲

درین جزوه

تحلیل اوضاع و رویداد های فعلی کشور :

- ۱ - ماهیت ، اهداف و خط و مشی روسیه
- ۲ - زمینه ها و شیوه های نفوذ روسیه در افغانستان
- ۳ - عوامل و انگیزه های اشغال نظامی افغانستان
- ۴ - موقعیت کنونی و توطئه های جدید روسیه در افغانستان
- ۵ - کشتی نجات انقلاب اسلامی بر امواج طوفان غالب خواهد شد





بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه سازمان نصر افغانستان
بنحسب ششمین سالگرد اشغال نظامی افغانستان
و تحلیل اوضاع و رویدادهای فعلی کشور

اَدْن لِلدِّینِ یُقَاتِلُوْنَ بِاَنھُمْ ظَلَمُوْا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِھُمْ لَقَدِیْرٌ
(قرآن مجید)

سیه روز شش جدی، سالگرد اشغال وحشیانه نظامی افغانستان توسط امپریالیزم جنایت
پیشه روس، نقطه عطفی مهم، خونین، حادثه ساز و غمبار در تاریخ سرخین و سراسر جنگ
و مقاومت مردم مسلمان افغانستان، شمرده می شود، در این روز سیاه، بار دیگر سیزمین ماهورد
تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفت و "مطلع الشمس" ما از خون پاک سرداران و شجاع مردان مسلمان
رنگین و سرخین گشت و فصلی دیگر در زندگی مبارزاتی ملت اسلام گیش و دشمن شدن ما گشوده
شد و اکنون از آن روز سیاه، شش سال می گذرد، در این شش سال، مردم ما، "صحیفه انقلاب"
را با خون خویش رقم زده اند و با ایثارگریها و فداکاریها و مقاومت های مردانه خود، بزرگترین
حماسه جاوید قرن را بیادگار گذاشته اند و اکنون از شیخ ^{بنیاد اندیشه} یلند بام دنیا، سرود فتح و رهایی
را سر می دهند و بشریت مظلوم قرن را به آزادی از حصار "داس و چکش" فرا می خوانند، لیکن
این چشمان گور و گوش های گر دنیا است که این همه عظمت را نمی بیند و آن همه فریاد را
نمی شنود اما بگذار قبیلیان زمان بر جنایات شان، مگر بر مگر بیفزایند و بارانهای کلا غهای
سیاه دل و سیه کین زمانه، نقش های هابیلی های شهید راه حق را در گورهای دسته جمعی دفن
نمایند! آرزو فرا خواهد رسید که فرزندان یثیم و زجر دیده هابیلیان با قامتی به استواری
کوه و به بلندای ابدیت، بر خروشنند و انتقام پدران مقتول خویش را از قاتلان جلاد بگیرند

و بار دیگر زمین خدا را از لوث کفر و شرک و نفاق و ستم و تبعیض و بیعدالتی پاک سازند و بر
ویرانه‌های گاخ ستم عمارت زیبای "توحید" و عدالت را پایه نهند.

برادر و خواهر مسلمان!

در این "بیانیه" که غرض بیان آنست، ستگرها و جنایتها و وحشیگریهای روسیه و توصیف
مقاومتها و مظلومیتها و دردهای ملت دردمند و انقلابیون مسلمان افغانستان است هرچند که
نمی‌توان همه گفتنی‌ها و بایستی‌ها را به‌خامه کشید اما در حد میسر، سخنانی چند را با شما
در میان می‌گذاریم:

الف - ماهیت، اهداف و خط مشی روسیه:

روسها یکی از وحشیانه‌ترین نژادها و طوایف تاریخ بشری هستند، قدیمی‌ترین مؤرخین
ما همچون مسعودی و ابن فضلان و ابن بطوطه آنها را چنین توصیف کرده‌اند: "آنها شرورترین
و بدترین خلق خداوند، دلباخته به شرابند، شب و روز شراب می‌نوشند و چه بسا که می‌میرند
در حالیکه جام شراب بدستشان است... کثیف‌ترین مردمنده از انداز و غایت، طهارت
نمی‌گیرند گو اینکه همه خرهای گمراهند!"، از میان چنین گمراهانی، امپراطوری تزاری روسیه
برخاست، تزارها که انسانهای شریر و گمراه و کثیف بودند، آرزویی جز سلطه بر جهان و قتل
عام بشریت در سر نمی‌پروراندند. بیماری قدرت‌طلبی و نژادگرایی، آنها را تا بدانجا رهنمود
بود که همه نژادها و ملت‌های آزاده دنیا را، در خدمت نژاد روس می‌پنداشتند و از این رو
بود که طرح وصول به آبهای گرم اقیانوس هند و خلیج را ریخته و چنگ و دندان بر کشورهای
اسلامی و سرزمینهای زرخیز آسیا و خاورمیانه تیز کرده بودند، پس از انقراض تزارهای سیه‌دل
روسیه، تزارهای سرخ سیه‌روی روسیه آمدند... بلشویکها که سرگردگی لنین و تروتسکی
و استالین بسال ۱۹۱۷، انقلاب مردم را از نیمه راه درزیده قدرت و سلطه را قبضه کردند
همان راه و مسیری را در پیش گرفتند که تزارها داشتند و همان اهدافی را دنبال کردند که
پیشینیان آنان دنبال می‌کردند هرچند که شعارها و قالبها عوض شده و "نفی استثمار انسان از
انسان"، "برقراری جامعه بی طبقه"، "مبارزه با امپریالیزم و کاپیتالیزم"، "حکومت پرولتاریا"
و ده‌ها شعار فریبنده و بظاهر زیبا و انقلابی دیگر جایگزین شعارهای قدیمی گشته بود اما

ماهیت اصلی همان بود که بود؛ ماهیت امپریالیستی، توسعه طلبی، برتری طلبی، نژادگرایی و ۱۰۰۰ اینبار کشور شوراها، جهان گشائی را زیر پوشش "انترناسیونالیزم کارگری" آغاز کرد و نخستین قربانی تزارهای سرخ، ملت مسلمان آسیای میانه بود؛ سرزمینهای وسیع و حاصلخیز مسلمان نشین، در اشغال ارتش سرخ درآمد و مساحت عظیمی از سرزمین اسلام که تاریخ سرشار از افتخارات و خدمات به جهان انسانیت و اسلام داشت و در روزگاری، مرکز تمدن و علم و فرهنگ بود و دهها دانشمند و فیلسوف و فقیه و ادیب را در آغوش خود تربیت کرده بود به گام غول جهان خوار روسیه فرو رفت.

اهداف و خط مشی امروز روسیه در تمام ساحتها، بر اساس یگنوع سیاست استکباری و امپراطوری گرایانه منافقانه و فرصت طلبانه استوار است، با امبرقدرتهای رقیب، چانه ولان می زند و تفاهم می کند، به جنبشهای رهایی بخش خیانت می کند، گاهی هم از آنها بعنوان یک برگ برنده و عامل فشار در بازیهای سیاسی استفاده می نماید و در موقع ضرورت ۱۸۰ درجه تغییر موضع می دهد و در میان ملت های مستضعف هم تلاش می کند که شاهرگهای اصلی حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی آنها را در قبضه خود گیرد؛ روسها برای کسب هژمونی جهانی و تقسیم دایره نفوذ به نفع خود، با آمریکای جهانخوار به رقابت می پردازند و برای رسیدن بدین هدف، "امنیت و صلح" را شعار قرار می دهند اما در عمل، سیاست نظامی امپریالیستی در پیش می گیرند و به ایجاد بزرگترین زرادخانه و پایگاههای اتمی و تسلیحاتی دریائی و هوایی و زمینی کوشش می ورزند و در ازای وامها و به اصطلاح کمکهای اقتصادی و پروژه های مشترک خود در کشورهای جهان سوم، آنها را وابسته به خود ساخته و سرمایه و ثروتهای کلان آنها را به یغما می برند.

بنیاد اندیشه

اهداف و خط مشی روسیه را می توان چنین خلاصه کرد: ۱-۳۳۳

۱- کسب سلطه و هژمونی جهانی ۲- توسعه نفوذ و قلمرو امپراطوری روسیه ۳- بیرون کردن رقیبهای سیاسی - نظامی از میدان مسابقه و رقابت ۴- سازش و مصالحه با امپریالیزم آمریکا و دعوت جنبشهای رهایی بخش به صلح و مذاکره ۵- حاکم ساختن نژاد روس و ملت روسیه بر نژادها و ملت های دیگر ۶- غارت و چپاول کشورهای بلوک شرق و جهان سوم زیر پوشش همکاریهای اقتصادی، نظامی و همبستگی های سیاسی و معاهده نامه ها و پیمانهای مودت و همکاری

۲- مقابله جدی با ادیان توحیدی و فرهنگ انقلابی اسلام برای جلوگیری از نفوذ موج توفنده و روبه گسترش انقلاب بین المللی اسلامی.

روسیه برای رسیدن به اهداف امپریالیستی فوق مخصوصا در کشورهای جهان سوم از چهار محور بسیار مهم که ارکان اصلی یک جامعه را تشکیل می دهد، استفاده می کند:

۱- در محور اقتصادی به تشکیل سازمانهای به اصطلاح تعاون و همکاری همچون "گومیکون" و غیره، می پردازد و از این طریق نبض حیات اقتصادی کشور مورد نظر را بدست گرفته و صادرات و واردات را طبق میل و سود خود در انحصار می گیرد و از رشد و خودکفائی و انگشافت صنعتی، جلوگیری می کند و برای همیشه وابسته به خود نگه میدارد.

۲- در محور نظامی، پیمانهای همچون "ورشو" و غیره را تشکیل می دهد و در عین استفاده از کشورهای عضو بحیث پایگاههای نظامی، کنترل ارتش و تسلیحات آنها در دست گرفته و از نظر نظامی در ابعاد مختلف آموزشی و اسلحه سازی وابسته به خود می گرداند و از طرف دیگر با ارسال مستشاران نظامی و تربیت و آموزش نظامیان در خود روسیه، عناصر مفید را برای کودتا و بدست گرفتن قدرت، آماده می سازد.

۳- در محور فرهنگی و تبلیغاتی، مبالغ سرسام آوری را صرف و خرج فعالیتهای فرهنگی و تبلیغاتی کرده هرروز هزاران نشریه و مجله و کتاب را وارد بازارها می نماید و از این راه به آموزش فکری و فرهنگی نیروهای مستعد پرداخته و در مغز جوانان، افکار شیطانیه و الحادی را تزریق می کند و بدین ترتیب فرهنگ و مذهب و عنعنات ملت ها را به بازی و مسخره گرفته و پایه های اعتقادی و فکری مردم را برای پذیرش فرهنگ خود، سست می گرداند.

۴- در محور سیاسی از یکسو روابط گرم و دوستانه دیپلماتیک با رژیمهای حاکم برقرار می کند و از سوی دیگر جاسوسها و خبرچینهای خود را در تمام دستگاههای دولتی برای کسب خبر و خلق جوهای مصنوعی، گسیل می دارد و همچنین احزاب و سازمانهای مزدور مارکسیستی را بنیاد می نهد تا بحیث ستون پنجم عمل کنند و در موقع مناسب، قدرت را بدست گیرند، این احزاب با نفوذ در مقامات مهم دولتی، شرایط نفوذ بیشتر روسیه را مهیا می گردانند و با شیوه های اپورتونیستی حتی با ارتجاعی ترین رژیمها برای گوییدن انقلاب بیون آزادیخواه ضد روسی، متحد می شوند و حتی بعض اوقات موضع گیریهای آن رژیمها، بسیار چپ تر و مترقی تر از

موضع گیری احزاب کمونیست است مثلا در برخی از کشورهای عربی، رژیم حاکم در برابر اسرائیل موضعی قاطع مبارزه مسلحانه در پیش می گیرد اما احزاب کمونیستی معتقد به اجرای قطعنامه سازمان ملل متحد هستند، این احزاب با ایجاد زمینه های فرهنگی گوش می کنند تا اولاً توده ها را آماده و مشتاق پذیرش افکار و اهداف روسیه بگردانند و ثانياً با اختلاف اندازی و تشدید تضادها در میان جناحهای مختلف مردم و رژیم حاکم، زمینه کودتا را فراهم سازند، تاریخ سیاه احزاب کمونیست در جهان مخصوصا در کشورهای اسلامی شاهد این سخن است.

ب - زمینه ها و شیوه های نفوذ روسیه در افغانستان :

جامعه افغانستان در اثر بی کفایتی ها و خودکامگی های رژیم های حاکم و بی جهت تجاوزات و تهاجمات مستمر استعمارگران و بیگانگان، در حد بسیار پایین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نگهداشته شده و زمینه خوبی برای رشد جریانهای استعماری و انحرافی گنبد بود مخصوصا در محورهای چهارگانه مورد عمل روسیه که در فوق بحث شد، آمادگی برای نفوذ «دوران روسیه و پذیرش افکار مارکسیستی در میان بخشی از اقشار و افراد جامعه، کاملاً وجود داشت، از نظر اقتصادی هنوز جامعه افغانستان، متکی بر سیستم های کهنه و بسیار قدیمی زراعتی و دامداری بوده و هیچ گونه رشد و انکشافی در ساحت های اقتصادی نیافته بود و این در حالی بود که فاصله عمیق طبقاتی بیداد می کرد، عده ای از گنبد آکنان، شریک های مهم اقتصادی جامعه را بدست گرفته و مالک وسیع ترین سرزمینهای سرسبز و حاصلخیز شده در یک زندگی در سطحی بسیار عالی از رفاهیت و خوشگذرانی بسر می بردند اما در مقابل، اکثریت قاطع مردم مایه فقر شدید بسر برده از ضروری ترین نیازهای مادی و وسایل اولیه زندگی بی بهره بوده سراسر عمر را در فقر و فلاکت و گرسنگی و دهقانی بسر می بردند و در این موقع ذخایر و معادن افغانستان بصورت مفت و مجانی در اختیار کشور استعماری روسیه قرار می گرفت و اگر سودی هم در پی داشت به جیب سران و گلائیهای قوم می ریخت و توده های زحمت کش که صاحبان اصلی کشور و شریک های خدادادی آن بوده و هستند، از همه چیز محروم بودند مخصوصا در دوره های ظاهر شاه و دود - خان، آثار و مظاهر فقر و محرومیت در سرتاسر کشور و در میان تمام اقشار و طبقات و قبایل و طوایف افغانستان، بصورت ملموس و بسیار فجیع و دردآور مشهود بود.

اما از نظر وضعیت سیاسی، اختناق و استبداد و خودکامگی در اوج خود بود، آزادی

اندیشه، عقاید سیاسی، مذهبی سلب گشته و توده مردم در جهل مطلق سیاسی، به بردگی و بندگی کشیده شده بودند، تعصبات غلط قومی، نژادی، مذهبی، از طرف دربار تبلیغ می شد و برای اینکه بتوانند چند روزی به حکومت ننگین شان ادامه دهند و راحت تر برگردند مردم سوار باشند، تضادهای درون کشوری را تشدید می نمودند، امتیاز و تبعیض را به اوج رسانده بودند و بسیاری ملیتها و قبایل درون کشور از دخالت در سرنوشت سیاسی - اجتماعی شان دور نگهداشته شده و از حق نظر و تصمیم گیری محروم بودند. وضعیت فرهنگی جامعه بدتر از همه بود، تادهمسال پیش برای هرولسوالی چند ده هزار نفری بیش از یک مکتب یا دو مکتب (مدرسه) ابتدائی وجود نداشت، جلو رشد و تحصیل فرزندان ملت گرفته می شد، تنها هیئت حاکمه و منسوبین و همکاران آنها می توانستند از مزایای فرهنگی و تحصیلاتی استفاده کنند در حالیکه اکثریت بیش از ۸۵ درصد جامعه از سواد درحد خواند و نوشت هم بی بهره بودند.

اما وضعیت بهداشتی و خدمات پزشکی و درمانی جامعه که در حد صفر بود و حتی در مرکز بسیاری از ولسوالیها (فرمانداریها) و ولایتها (استانها) یک شفاخانه (بیمارستان) بود کمتر عادی وجود نداشت، فرزندان جامعه با ساده ترین بیماری، بی اختیار در دامان مرگ قرار می گرفتند و یا با درمانهای ناقص و ابتدائی خانگی، معیوب و ناقص العضو می گشتند و این در حالی بود که پولداران و افراد متمول، بیماران خود را در لوکس ترین بیمارستانهای روسیه یا کشورهای غربی انتقال داده و مداوا می کردند.

آیا این اوضاع و احوال، زمینه کامل نفوذ و رشد استعمار روسیه در افغانستان نبود؟ این یک اصل مسلم اجتماعی و اسلامی است که در جامعه ای که عدالت و برادری حاکم نباشد و مردم از حداقل رفاه در معیشت هم محروم باشند، تمام مفاسد و انحرافات گوناگون فکری، سیاسی و اجتماعی نیز در آنجا حاکم خواهد شد. کشور استعمارگر روسیه که دنبال چنین زمینه هایی می گشت، افغانستان را لقمه چرب و طعمه آماده شده ای یافت و فعالیت های روسیه را در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی آغاز نمود، رشته تجارت و اقتصاد و صادرات و واردات و پروژه های راه سازی و عمرانی و استخراج معادن و سایر عملیات انکشافی و تربیت و آموزش افسران نظامی و دانشجویان افغانستانی را مستقیماً بدست گرفته و جاسوسهای کی جی بی را در تمام نهادها مخصوصاً دستگاههای اداری و دولتی نفوذ داد و از نظر

فرهنگی هم به پخش و نشر وسیع نشریات و کتابهای الحادی و انحرافی پرداخته و نسل جوان را با شعارهای فریبنده مارکسیزم جذب کرده و با استفاده از تضادها و مفاسد موجود، لبه تیز فعالیت‌های خود را در جهت براندازی رژیم حاکم و روی کار آوردن رژیم وابسته به خود بکار انداخت.

در واقع تهداب جریان‌های چپ افغانستان در زمان امان‌الله خان، زده شده بود، روابط گرم او با مسکو و مبادلات مکتوب و فرستادن هیئت‌های دیپلماتیک و هواهای به اصطلاح مترقی مآبانه! او سبب شد که اولین هسته چپ بنام "جوانان افغان" تشکیل شود، اینها تسابلات مشخص روسی داشته و خط مشی روسیه را تبلیغ می‌کردند و از سرگردگان این سازمان چپ‌ی میر غلام محمد غبار بود. آنطوریکه خود در ص ۷۹۷ کتاب افغانستان در مسیر تاریخ نوشته است: و دولت امان‌الله نیز کاملاً از این دسته پشتیبانی می‌کرد و به همین جهت است که کمونیست‌ها حتی تا به امروز از آن شاه خائن و مزدور به نیکی یاد می‌کنند. ببرگ در مصاحبه خود با روزنامه "مسلم" پاکستانی مورخ ۶۴/۷/۲۵ گفت: (از زمان لنین و شاه امان‌الله تاکنون اتحاد شوروی همیشه بطور غیر مشروط (۱) با کمک نموده است، در سال ۱۹۳۱ میلادی (دوره امان‌الله) پیمانی بین اتحاد شوروی و افغانستان به امضا رسیده بود که براساس آن قرار شد اتحاد شوروی در صورت نیاز به ما کمک و یاری نماید) ... و در سال ۱۳۲۷-۲۸ در دوره صدارت شاه محمود چند سال پیش از صدارت دهساله داود خان، "ویش زلمیان" (جوانان پیدار) تشکیل شد که رهبری آن بدست تره‌گی و ببرگ نیز از اعضای فعال آن بود، این سازمان، نیز چپ و کمونیستی بود و در دوره صدر اعظمی داود رشد نمود و همین سازمان پس از ختم دوره صدارت وی، در ۱۱ جدی ۱۳۳۳ رسماً به "حزب خلق" تبدیل نام یافت که تره‌گی بعنوان دبیرکل انتخاب گردید و اعضای دیگر کمیته مرکزی آن عبارت بودند از: ببرگ، گشتمند، حفیظ‌الله امین، غلام دستگیر پنجشیری، ظاهر بدخشی، نور احمد نور، کریم میثاق، سلیمان لایق، بارق شفیع، اسماعیل دانش و ظاهر افق و غیرهم. اینها جریده‌ای بنام "خلق" منتشر می‌کردند و در ثور ۱۳۴۶، ببرگ با همکاری میراکبر خیبر از حزب خلق جدا شده و "حزب دموکراتیک خلق" را تشکیل داد و نشریه‌ای بنام "پرچم" نشر می‌کرد و ظاهر بدخشی نیز در اثر اختلاف با حفیظ - الله امین جدا شده و او را متهم به فاشیستی کرده و بعدتر "ستم‌ی" را تشکیل داد. این سه حزب کمونیستی (خلق، پرچم و ستم) هر سه روسی بوده و با اشاره روسیه تشکیل شده بودند.

و در متن دستگاه حاکم ظاهرشاه به رشد و جوجه‌گذاری پرداختند، اینها که کاملاً در فعالیت‌هاشان از طرف دولت آزاد گذارده شده بودند حتی به مجلس پارلمان هم راه یافتند که از آن جمله ببرگ و اناهیتا و نوراحمد نور و بعدها هم حفیظ الله امین و غیرهم بحیث وکیل در مجلس به فعالیت‌های گمونیستی پرداختند و افرادی همچون: حسن شرق و شاه‌محمد دوست خان محمد جلالی که از اعضای برجسته گمی جی بی بودند همیشه در زیر پل صدر اعظم‌ها و در بالاترین پستی‌ها، قرار گرفته و جاسوسی می‌کردند، "شاه‌محمد دوست" همواره از اول تا به آخر در کنار هاشم میوندوال بود و "حسن شرق" هم همیشه در کنار داود چه در دوره صدارتش و چه در دوره ریاست جمهوری و "محمدخان جلالی" نیز در زمان میوندوال، رئیس مالی وزارت پلان و بعد وزیر مالی و در کابینه داودخان هم وزیر تجارت بود و پس از کودتای ۲۷ ثور نیز مشاور حفیظ الله امین و رئیس عمومی واردات و صادرات و در زمان ببرگ باز هم وزیر تجارت گردید. بدین سان در می‌یابیم که در طول دوره سلطنت ظاهرشاه و صدارت و دولت داودخان گمونیست‌ها، آزادانه به فعالیت و زمینه‌سازی می‌پرداخته‌اند و حتی در کابینه دولت داود، چند نفر از اعضای پرچم (حسن شرق، نعمت‌الله پژواک، باختری و خان‌محمد جلالی و ...) عضویت داشتند و افرادی همچون عبدالقادر و اسلم وطن‌جار، پاچاگل و فیض‌محمد و عبدالحمید محتاط و سرور نورستانی و غیرهم نیز هریک نقش فعال در دستگاه‌های دولتی و ارتشی داشتند و لذا ببرگ در مصاحبه سابق‌الذکر خود می‌گوید: (ما از تمامی راه‌ها، منجمله مطبوعات، مجلس، تظاهرات خیابانی جهت رسیدن به هدف نهائی خود استفاده کرده‌ایم ... ما از روی کار آمدن داود در سال ۱۹۷۳ پشتیبانی نمودیم زیرا آن حرکت مترقیانه‌ای بود، بعد از دو سال ما احساس نمودیم وی در حال تغییر مسیر خود است و در حال چرخش بر راست می‌باشد سپس ما از حمایت خود دست کشیدیم اگرچه دوستان و هوادارانی در دولت وی داشتیم) در حالیکه در همه این دوره‌ها، روشنگران مسلمان و جنبش اسلامی در زیر شدیدترین فشارها و اختناق‌ها قرار داشتند و دقیقاً در سالیانی که "ویش زلمیان" تشکیل شده و آزادانه فعالیت می‌کردند، قیام اسلامی شهید علامه بلخی سرکوب شده خود وی راهی زندان گشته و بعد هم شهید شد و نیز شخصیت‌های مسلمان و انقلابی دیگر در طول دوره سلطنت و ریاست ظاهر و داود زندان، شکنجه و شهید گشتند و روس‌ها هم برای اینکه آب را گل‌آلود بیاخته و مزدوران گمونیست خود را از معرض تعرض دولت دور نگهدارند، همواره به تشدید تضاد بین دولت و جریانی‌ها و عناصر

اسلامی می پرداختند و لذا در ۲۵ عقرب ۱۳۵۶، "علی احمد خرم" وزیر پلان کابینه داود را توسط عناصر کی جی بی در دفتر کارش به قتل رساندند و این قتل را به عناصر مسلمان نسبت دادند که در نتیجه کاسه خشم داود جنایتکار را بر سر مسلمانان شکستند و خود راحت به فعالیت آزاد و استفاده از این جوگل آلود پرداختند و همچنین در ۲۸ حمل ۵۷ "میراگبر خیبر" که یکی از رقبای سرخست ترهگی و از سران گروه "پرچم" بود را به قتل رساندند و این قتل را به دولت نسبت دادند و کمونیستها نیز با شدت تمام از این جریان برضد دولت استفاده کرده به نمایش قدرت پرداختند ... و چنین بود که زمینه کودتای سیاه و خونین ۷ ثور ۵۷ توسط مزدوران روسیه فراهم شد و ...

ج - عوامل و انگیزه‌های اشغال نظامی افغانستان:

در استراتژی کلی روسیه، افغانستان بحیث یک سکو برای پرش بسوی اقیانوس هند و خلیج فارس و خاورمیانه تعیین شده بود و از دوران امان‌الله در افغانستان و آغاز حکومت بلشویکی لنین و بل پیش از آن تا ۷ ثور ۵۷، برای قبضه این سکو، زمینه‌سازی کردند اما تنها با کودتا و روی کار آمدن باند خلق و پرچم، این هدف بصورت کامل تا همین نمی‌گشت چون کودتا اولین مرحله در حرکت روس است، مرحله دوم، اشغال نظامی بود که برای ادغام و ضمیمه کامل افغانستان به روسیه باید انجام می‌شد، گرچه روسیه در ابتدا می‌پنداشت که با وقوع کودتا، کارها یکسره شده و ملت افغانستان، کاملاً تسلیم اطماع روسیه خواهد گشت اما حوادث بعد از کودتا، کاملاً در جهت مخالف توقعات روسها، بوقوع پیوست، ملت مسلمان ما بصورت سرتاسری، قیام را آغاز کردند، حماسه جاویدانی ۲۴ حوت هرات پدید آمد، در تمام شهرها و روستاها، مردم ما، حرکت پرشکوه اسلامی ضد کمونیستی را بیافزیدند و تعداد زیادی از ولسوالیها و مراکز دولتی را آزاد ساختند و با پیروزی انقلاب، شگوه‌مند اسلامی در ایران برهبری امام خمینی، مردم مسلمان ما به پیروزی بر کمونیستها، امیدوارتر شدند و از سوی دیگر تضادهای شدید، در میان جناحهای حزب حاکم، اوج یافت و خلقیان و پرچمیان، بر سر تقسیم قدرت به جنگ پرداختند و خودخواهیهای ترهگی و امین نیز منجر به هلاکت ترهگی و روی کار آمدن رژیم حفیظ‌الله امین گردید و جنبش اسلامی مسلحانه مردم مسلمان نیز هر روز اوج و شدت یافته

و منسجم تر و متشکل تر و پرتوانتر شده می‌رفت، شیرازه نظام اقتصادی کشور از هم پاشیده و سربازان مسلمان بی دربی و فوج فوج از عسکری فرار کرده به جبهات مجاهدین می‌پیوستند.

المیته درست است که ملت ما، سالیانی دراز تحت فشار هیئت حاکمه مصلحت‌زانی‌ها بوده و خودکامگی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و عربده‌کشی‌های مستانه رژیم، مردم را به‌جان رسانده و به یک زندگی مرگبار و دلت‌زا، گشانده و زمینه یک قیام و خیزش همگانی بر ضد رژیم حاکم را فراهم کرده بود و درست است که کمونیست‌ها در اندرون رژیم تخم‌گذاری کرده، در عمق جامعه نفوذ یافته و بعد هم سلطه را بدست گرفته و رژیم پلیس و منحوس داودخان را سرنگون ساختند اما آنچه را که روس‌ها و کمونیست‌ها در مداخلات و محاسبات‌شان نادیده انگاشته بودند دو چیز است: یکی ایمان مستحکم و تزلزل ناپذیر مردم به اسلام و احکام شریعت و دیگری روحیه آزادیخواهی و استقلال‌طلبی و غرور انسانی و نفرت و حساسیت شدید مردم در مقابل قدرت‌های خارجی و مزدوران بیگانه. ساختار و بافت جامعه ما و بنیاد تفکر و اخلاق و فرهنگ مردم ما از این دو عنصر تشکیل می‌شد اما روس‌ها از این نکته غافل بوده و بر اساس تفکرات مادی و تحلیلهای پوچ خود، رازهای پنهفته در شخصیت مردم مسلمان را درک نمی‌کردند و هم نمی‌توانستند درک کنند و بدین‌سان رژیم کودتا که تهی از هر دو عنصر تشکیل‌دهنده شخصیت جامعه ما بود، تاب‌نیاورده به سقوط کشیده شد و از این رو، اشغال نظامی که مرحله دوم حرکت روس‌ها بود آغاز گردید و در ۶ جدی (دیماه) ۵۸ بیش از یکصد هزار سرباز ارتش سرخ بسوی افغانستان گسیل شدند و با مجهزترین و مدرنترین سلاحهای ساخت روسیه بر ملت مظلوم و بی‌دفاع یورش آوردند و بدین‌سان "شیطان خانه گرمین"، پس از بخارا و سمرقند و سرزمینهای اسلامی ترکستان، از "آمودریا" پا به‌این سو نهاد تا زودتر خود را به دریاهای دیگر برساند و سرست از باده اشغالگری، سوار بر قله‌های بلند "بام دنیا" دنیا را به نظاره شیطانی گیرد اما کور خوانده بود، اینجا ددان و شایطین را جایگاهی نیست، سرزمین بندگان صالح خدا است و غل و زنجیر ابلیس بردست و پای چنین انسانهایی، بند نتوان شد اگرگز!

د - موقعیت کنونی و توطئه‌های جدید روسیه در افغانستان:

گرچه روسیه با اشغال نظامی افغانستان توقع داشت که پایه‌های رژیم کودتا را مستحکم

سازد، انقلاب اسلامی را درهم بگوید، افغانستان را به یکی دیگر از جمهوریهای به اصطلاح شوروی تبدیل کند اما به آن آسانی که می پنداشت هم نتوانست عمل کند، افغانستانیهای مسلمان و دلیر نه تنها از حضور ارتش سرخ، بیم و هراسی در خود راه نداده که با کمال شجاعت و مردانگی به مقاومت ایستادند و در صفوف متشکل تر و با تجربیات بیشتر جهاد مسلحانه را تداوم بخشیدند، مردم با جهاد خود را عادلانه دانسته و معتقد به اسلام و عاشق شهادت و شیفته استقلال و آزادی است و بر اساس اوضاع جغرافیائی و طبیعی ویژه افغانستان، مردم به سرعت، زندگی روزمره خود را با شرایط جنگ، هماهنگ ساخته و در این چند سال تجربیات بیشتری آموخته و جریان آگاهی شان نیز روبه شگاف است و با اینکه دشمن اشغالگر از نظم و دیسیپلین میلیتاریستی و قدرت نظامی و اقتصادی و آمادگی و نقشه قبلی و پشتوانه تبلیغاتی بلوک شرق و کمونیستها در سطح جهان برخوردار است اما چون بزرگ جنگ غیر عادلانه و توسعه طلبانه دست یازیده و فاقد پایگاههای مردمی در افغانستان و نا آشنا با اوضاع جغرافیایی و بافت خاص جامعه اسلامی افغانستان بود، مواجه با شکست گردیده و در تمام ساحهها با بن بست گرفتار آمده است و اکنون در داخل روسیه، مانشهای در بند حزب کمونیست، در ناراضیهای شدید بسر برده مخصوصا در قبال مسئله افغانستان و اهزام چرانان شان بعنوان سرباز و گشته شدن بدست مجاهدین، سخت حساس شده اند و حتی در چند مورد، شورش و تظاهرات بر ضد رژیم نیز مشاهده شده است و از طرف دیگر موج "اسلام گرایی" مخصوصا در جمهوریهای مسلمان نشین روبه گسترش نهاده و جلسات تلاوت و تفسیر و تعلیم قرآن و احکام شرع در شهرها و روستاهای مسلمان نشین آسیای میانه بصورت مداوم و مرتب، منعقد می شود و اخیرا یکی از سوءالین بزرگ حزبی که در اصل مسلمان بوده، در یکی از شهرهای قزاقستان، به اتهام خیانت و همکاری با حکومت مرکزی، ترور شده است و همچنین در یکی از پادگانهای روسیه در افغانستان بین سربازان مسلمان اوزبک و سربازان غیر مسلمان روسی، زد و خورد شدیدی در گرفت که بیش از ۸۰ سرباز روسی در جریان آن، به قتل رسید (بگزارش مجله عربی العالم شماره ۹۳) و از سوی دیگر، بخاطر فشار جنگ و هزینه سرسام آوری که در بردارد، خسارات سنگینی بر دیگر رژیم روسیه وارد آمده و در یک بحران عمیق اقتصادی فرو رفته است، گذشته از تلفات جانی که هر روز دهها جنازه سرباز و افسر روسی در صندوقچه های ویژه روانه مسکو می گردد

و اما در ساحه بین المللی، پرستیژ روسیه درهم شکسته و در انظار جهانی بعنوان یک رژیم استعماری توسعه طلب مداخله جو و تجاوزگر معرفی شده و هرچه که زمان بیشتر از عمر جنگ در افغانستان می گذرد، نفرت عمومی جهانیان نسبت به روسیه، افزایش بیشتری پیدا می کند از دیدار آراء مخالف اشغال افغانستان در نشستهای اخیر سازمان ملل نسبت به سالهای گذشته (از ۱۹۴۵) رای به ۱۱۹ رای و در قطعنامه هفتم هم به ۱۲۴ رای رسیده است) شاهد این مدعا است و از همین رو، روسها حاضر شده اند در مقابل امپریالیزم آمریکا، پایین آمده و در مسایل مختلف استراتژیکی و سیاسی و از آن جمله در مسایل آمریکای لاتین و خاورمیانه و فلسطین اشغالی ولینان و یهودیان روسیه به آمریکا و صهیونیسم، امتیاز بدهند و در کنفرانس اخیر ژنو (۱۹-۲۰ نوامبر گذشته) با غربیها، مذاکره و تفاهم نمایند.

اما با تحمل همه این شکستها و سیه رویی ها باز هم روسها هرگز حاضر نیستند به این زودیها از افغانستان دست بردار شوند، از راههای گوناگون و با توطئه های رنگارنگ، سخت اندر تلاشند که ملت ما را بهر صورتی ممکن، وادار به تسلیم نمایند، توطئه ها و سیاستهای روسیه را که تاکنون در افغانستان بکار بسته و می بندد، می توان به ترتیب زیر خلاصه نمود:

۱- سیاست ارباب و وحشت و ضرب و شتم نشان دادن به مردم بیدفاع غیر نظامی از راه بیمار آنها، به آتش کشیدن آنها، قتل عام ها و زندان و شکنجه ها.

۲- فشار نظامی بر مجاهدین و تلاش برای قطع راههای ارتباطی و تصرف مواضع مهم و استراتژیکی.

۳- فشارهای سیاسی، تبلیغاتی و احیانا نظامی بر همسایه گان (ایران و پاکستان) بحیث دو کشور میزبان برای بیش از ۵ میلیون مهاجر و پناهنده افغانستانی و ایجاد تنشها و آشوبهای داخلی در آن کشورها.

حمایت رژیم گابل از باند ذوالفقار و ولی خان گوگی خیل و تحریک قبایل افریدی و شینوار پشتون نوار مرزی در همین رابطه است.

۴- سیاست فریب و تزویر زیر پوشش دین، وطن و ملیت که تشکیل: جمعیت العلماء، شئون اسلامی، وزارت شئون اسلامی، جبهه ملی پدر وطن، وزارت اقوام و قبایل، لویه جرگه، جرگه های قومی و محلی و اخیرا طرح جمهوریهایی خود مختار در همین رابطه است. ملاهای عقده ای و ضعیف النفس، خوانین، فئودالها و سران مرتجع عشایر و قبایل که کمونیستها تا دیروز

آنانرا دشمن خود و عوامل امپریالیزم اعلام می‌کردند، امروز بصورت ستون پنجم و به یکی از پایگاههای مهم فعالیت دولت تبدیل شده‌اند و بار دیگر انقلاب ما را بر این تجربه، مگر بر مگر تأکید نهاد که در هر نهضت ضد استعماری، خوانین و اربابها، اولین قشری هستند که به دولت و انقلابیون خیانت کرده و در خدمت استعمار خارجی و استبداد داخلی درآمده‌اند. بهرکه دغل از یکطرف، شعار جمهوریهای خودمختار را مطرح می‌کند و به مردم مظلوم هزاره‌جات وعده "خودمختاری" می‌دهد ولی از سوی دیگر، نیروهای روسی را بسوی هزاره‌جات گسیل می‌دارد و مردم مسلمان و قهرمان بهسود، غزنی و جاغوری را به خاک و خون می‌کشد. آنچه که در حملات وحشیانه اخیر روسها بر "بهسود و جاغوری" بسیار قابل توجه است چند چیز است: یکی: شکست مفتضحانه نیروهای ارتش سرخ و مقاومت مردانه چریکهای مسلمان و برادران رزمنده و جان‌برگف ما که درس فراموش ناشدنی به روسها داده و مایه امیدواری بیشتر ملت مسلمان گردیدند.

دوم: همراه آوردن ارتش سرخ تعداد زیادی از خوانین و منافقین فراری را به خدمت والی و ولسوال و قوماندان قرار دادن آنان در مناطق مرکزی که این خود نهایت ذلت دولت و همکاری خائنه خوانین و منافقین با دولت را بدوضوح تمام، به اثبات می‌رساند.

سوم: از سرگرفتن تهاجمات و حملات گسترده پس از تقریباً چهار سال تری جنگ و بیاباری با مردم مناطق مرکزی و پس از سقوط باندهای "نفاق" و برچیده شدن لائیه‌های جاسوسی دولت از آن مناطق و مسلط شدن نیروهای انقلابی مسلمان و اعلام اختلاف و هماهنگی و تفاهم در میان گروهها و سازمانهای اسلامی، که این خود پرده از اسرار زیادی بر می‌دارد و اکنون ملت ما بدوضوح می‌تواند بفهمد که جنگ و غریزهای منافقین و درگیرهای بی‌ایمانی برای چه بوده و چرا دولت پیش از این، این مناطق را فراموش گرفته و چرا پس از سقوط باندهای نفاق و اعلام اختلاف و هماهنگی گروههای مسلمان انقلابی، حملات خود را تشدید کرده است !!!

۵- سیاست مذاکره و راه حل سیاسی از طریق مذاکره با پاکستان و با وساطت سازمان ملل متحد که تاکنون در چند محور (تضمین عدم مداخله دوجانبه بین پاکستان و افغانستان، تضمین بین‌المللی و بازگشت پاهندگان) به توافقاتی نایل آمده‌اند و در عین حال، روسها بسیار اصرار دارند بر اینکه تا پاکستان وارد مذاکره مستقیم با افغانستان نشده در باره

محور چهارم یعنی عقب‌نشینی نیروهای خارجی بحث نخواهند کرد و از اینکه جمهوری اسلامی ایران، مذاکره مستقیم و غیر مستقیم را قبول نداشته و وزارت خارجه جمهوری اسلامی تاکنون موضع قاطع انعطاف‌ناپذیر اسلامی در قبال مسئله افغانستان داشته است، سخت نگران و عصبانی هستند. ببرک در مصاحبه خود با روزنامه "مسلم" پاکستانی مورخ ۲۰/۷/۶۴ گفت: (در مذاکرات گذشته، موافقت طرفین پیرامون سه نکته حاصل شده است... اگر پاکستان آمادگی خود را برای انجام مذاکرات مستقیم اعلام دارد ما حاضریم پیرامون بقیه مسائل نیز بحث کنیم... بدیهی است که از انجام مذاکرات مستقیم، نتایج مؤثری بدست می‌آید... ماموریت حسن نیت نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد از بدو آغاز مذاکرات، عمدتاً بر هموار ساختن زمینه به منظور انجام مذاکرات مستقیم بین دو کشور استوار بوده است...) و همچنین در قسمت دیگری از مصاحبه خود گفت: (متأسفانه نقش ایران در مورد اوضاع افغانستان بسیار منفی، مداخله جویانه و تجاوزکارانه بوده است مضافاً آنکه شور تاکنون آمادگی خود را برای شرکت در مذاکرات، اعلام نکرده و بایستی اعتنائی رد کرده است... آنها تلاش می‌کنند که انقلاب اسلامی ایران را صادر کنند... پاکستان در نوبت بعدی قرار گرفته است...) و همچنین "میخائیل گابیتسا" سفیر سابق روسیه در پاکستان و معاون فعلی وزارت خارجه روسیه در مصاحبه خود با روزنامه مذکور در مورد مذاکرات گفت: (در رابطه با مذاکرات ژنو در مورد افغانستان، سه شرط از چهار شرط مربوط به این بحران مورد توافق قرار گرفته است... جهت عملی کردن شرایط مربوط به حل مسئله افغانستان (تضمین عدم مداخله دوجانبه بین پاکستان و افغانستان، تضمین بین‌المللی و بازگشت پناهندگان) و چهارمین شرط "عقب‌نشینی نیروهای خارجی" افغانستانها بر انجام مذاکرات مستقیم بین اسلام‌آباد و کابل اصرار می‌ورزند... فقط بعد از مذاکرات مستقیم افغانستان و پاکستان، افغانستان و ما در مورد مسئله خروج تصمیم می‌گیریم... باهمچنین نمی‌خواستیم در افغانستان بجنگیم و این امر بر ما تحمیل شد (!!!) اما ما جدول زمانی مشخصی را هم جهت بیرون بردن نیروهایمان از افغانستان تعیین نخواهیم کرد این یک مسئله دوجانبه بین ما و افغانستان است...).

هدف روسها از مذاکرات با آمریکا و پاکستان در مورد مسئله افغانستان چند چیز است
اولاً می‌خواهند انتظار جهانی را از جهات داغ جهاد مجاهدین به ژنو و مذاکرات منحرف ساخته

و از نظر تبلیغاتی پرده روی جنگ بکشند. ثانیاً می‌خواهند در صورت رسیدن به یک توافق نهائی با پاکستان - که بعید هم نیست - آزادیهای مجاهدین را محدود سازند و در محاصره قرار دهند. ثالثاً با مذاکره با پاکستان می‌خواهند وجود سازند که مسئله اصلی، مسئله افغانستان - پاکستان "بوده و پاکستان" قیم "مجاهدین است. رابعاً هم می‌خواهند از این طریق عناصر ضعیف‌النفسی که در صفوف جنبش مقاومت - بهر علتی که بوده - پیوسته‌اند را شناسائی نمایند و طیف‌هایی از قبیل ملی‌گراها و لیبرالها و ظاهرپارتیها را بسوی خود بکشانند و با آنها بعنوان نماینده مجاهدین، مصالحه نمایند و مسئله را بهمین مقدار ختم یافته تلقی کنند و ... اما با همه این نقشه‌ها آنچه که از شمه‌مهم‌تر است اینست که انقلاب اسلامی ملت ما همچنان به پیش می‌تازد.

هـ - گشتی نجات انقلاب اسلامی بر امواج طوفان غالب خواهد شد :

با همه این توطئه‌ها و دسیسه‌های مرئی و غیر مرئی، گشتی انقلاب اسلامی از میان سیلها و طوفانهای حوادث، شناور در دریای خون شهیدان راه آزادی، بسوی ساحل نجات پیش می‌رود، ملت مسلمان ما در سایه رایت سبز (لا اله الا الله و محمد رسول الله) با شعار "استقلال آزادی، جمهوری اسلامی و نه شوقی و نه غریبی" راه پرشکوه جهاد را با قاطعی استوار می‌پیماید هرچند که این راه از گل فرش نشده، از خار هم فرش نگشته، با غیبت پرییچ و خم از میان سنگلاخها، دره‌ها، کوهها، صحراها، سلبو از گلوله، توپ، تانک، مین، راکت و طیارات بمب افکن اما نسل جوان انقلابی و متعهد و مجاهدان سربرکف ما این راه پرفراز و نشیب را با افتخار و غرور می‌پایان و با اراده پولادین الهی در سایه "ترکیه، تعلیم و تشکیل" ^{بنیاد اندیشه} جهاد مسلمانانه هموار خواهد ساخت.

گرچه هم‌اکنون مشکلات و موانع زیادی، گریبانگیر انقلاب اسلامی است و از آنجمله است کمبود تسلیحات و مهمات نظامی، کمبود دارو و درمان و پزشک در جبهات، محدود بودن فعالیت‌های تبلیغاتی و فرهنگی، ویرانیها و سلب آواره‌گیها و مهاجرت‌ها، پراکندگی در صفوف جنبش و ... اما بدون شک عامل اکثر این مشکلات، بازهم دشمن و عوامل او است و آنروزیکه مردم ما و نیروهای انقلابی ما، دشمن اصلی را درست شناخته و شگردها و توطئه‌ها و دسیسه‌های

عوامل دشمن را درست درک کنند و با هوشیاری انقلابی، مزدوران استکبار را از صفوف جنبش طرد سازند، اکثر این موانع هم از سر راه انقلاب برداشته خواهد شد.

سازمان نصر افغانستان بحیث بخش مشکلی از انقلاب اسلامی افغانستان که در طول انقلاب با حضور کامل در صحنه‌های مختلف مبارزات مسلحانه اسلامی و ضد استعماری، انجام وظیفه نموده و مردانه در برابر همه توطئه‌ها، ایستاده و نقاب از چهره همه مزدوران استکبار برانداخته، بار دیگر قاطعانه اعلام می‌دارد که توطئه‌های سران استکبار در ژنو و مذاکرات رژیم کابل و اسلام‌آباد، هیچ‌گونه تأثیری در روند مبارزات اسلامی و برحق مردم نماند داشته و مجاهدین ما همچون گذشته، تا اخراج آخرین سرباز روسی از کشور و تا برقراری حکومت عدل اسلامی در افغانستان، سلاح بر زمین ننهاده، با انسجام بیشتر و تجربیات افزون‌تر، قیام رهایی بخش را ادامه خواهند داد.

ما توطئه‌های اخیر دولت کابل مبنی بر تشکیل جرگه‌های قومی و محلی و طرح جمهوریهای خودمختار و تحریک قبایل مرزی و حملات وحشیانه رژیم در بهسود و جاجوری را محکوم کرده و از مردم مسلمان و قهرمان افغانستان و از گروهها و سازمانهای اصیل اسلامی می‌خواهیم که صفوف شانرا فشرده‌تر ساخته و به ندای وحدت اصولی اسلامی که از عمق قلب مجاهدان سگرم نشین ما بلند است، پاسخ مثبت دهند و با هماهنگی کامل عناصر دشمن را از صفوف جنبش طرد کرده و در برابر نیروهای اشغالگر، جبهه واحد اسلامی پدید آورند.

ما از وجدانهای بیدار و مردمان آزاده جهان مخصوصاً از امتیگ میلیاردری مسلمان می‌خواهیم که فریاد مظلومان و برادران مسلمان‌شان از افغانستان را بشنوند و با همکاری جدی در ایجاد مختلف انقلاب، ملت ما را در برابر غول جهانخوار روس، یاری رسانند و نگذارند افغانستان اسلامی، سرنوشت ترکستان و فلسطین را پیدا کند.

ما از جنبشهای رهایی بخش اسلامی می‌خواهیم که با همکاری و هماهنگی گاه‌به‌گاه‌تر در سایه "رهبری واحد صالح اسلامی" و در راستای "نه شرقی و نه غربی" مبارزه بی‌امان‌شان بر ضد استکبار جهانی بسرگردگی روسیه و آمریکا را ادامه داده و در راه نجات و رهایی ملت‌های مستضعف مسلمان از چنگال رژیم‌های مزدور استعمار و برای برقراری حکومت جهانی اسلام از هیچ تلاش و ایثاری فروگذاری نکنند.

اما تو برادر مجاهد افغانستانی!

بگذار ائمه گفر توطئه کنند و در ژنو یا هر جای دیگر به تفاهم و تبانی بپردازند ایگذار
مزدوران روس در مراکز لیبو به صف بایستند! صحنه ها و منبرها بپا کنند! بازیگرانی را بیدار
آورند! چراغهای دروغینی را روشن کنند! بتان را تزیین نمایند و گوساله های سامری را آرایش
دهند! اما خورشید آرمان، مسیر برگشت ناپذیر خود را ادامه خواهد داد و بزودی پیروزی
توحید و فروریختن "بتان" اعلان خواهد شد، آسمان که در روز درهم شکستن هبل "در گعبه"
اعلان شد، غم مدارا بخروش ای پیشواز زندگی! ای راست قامت جاویدانه تاریخ! دفتر
خاطرات عشق یاد تو را به ابدیت هستی پیوند خواهد داد و کبوتران آزادی غننامه خونین
تو را بر بالهای مجروح خویش تا قلب آسمان، تا جایگاه ستاره گان و تا خورشید آرمان بالا
خواهند برد و خلق خدا در هنگامه محشر گبرای انقلاب به پاکی و راستی و استواری تو گواهی
خواهند داد... هر چند که امروز خائنین به خلق اندر تلاشند که فداکارهای تو را خنثی سازند
و از پیوند مقدس و هرگز ناگسستی تو با ابدیت، جلو بگیرند اما تنها دستیاب شان ناگامی
و نافرجامی خواهد بود و تو در آسمان همراه با خورشید امین چشم همیشه بیدار و شمعیت بیدار
خواهی ماند و برای همیشه، فروزان و منبع نور و حرارت! و گور باد آن چشمان خفاش گونه که
تاب تحمل نور را ندارند و از روشنائی در هراسند و گر باد آن گوشهایی که صدای زیبای بارش
نور و تابش خورشید را نمی شنوند!

والسلام

پیروز باد انقلاب اسلامی در سراسر جهان بر رهبری امام خمینی

پیروز باد انقلاب اسلامی رهائی بخشی افغانستان

در اهتزاز باد رایت خونین قیام مستضعفین جهان

مرگ بر امپریالیزم جهانی سرکردگی روسیه، آمریکا و چین

نفرین بر باند خلق و پرچم و ببرک و مزدوران بیگانه

سازمان نصر افغانستان

۶ جدی (دیماه) ۱۳۶۴ شمسی



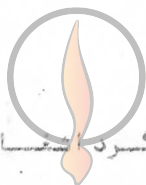
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی
 " روسیه ، آمریکا ، چین "





سابقہ

سازمان نطر قحانستان



بسه مناسبت هفتمین سالگرد انجمن

نظامی افغانستان اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲

(۱۳۶۵/۱۰/۶)



ما از ملت مسلمان و دلیر
افغانستان کاملاً پشتیبانی میکنیم
ملتی که علیه تجاوزگران مبارز
برخاسته اند، بدانند و با ایمان و اسلح
جنگند که خدا با آنان است .
« امام خمینی »



بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه سازمان نصر افغانستان به مناسبت هفتمین سالگرد

اشغال نظامی افغانستان

اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير (حج - ۳۹)
 اکنون هفت سال کامل از آرزوی سیاه می گذرد، روزی بوقوع پیوستن دردناک
 ترین فاجعه در تاریخ افغانستان ۰۰۰ روز به نمایش گذاشته شد، ترافدی
 غم انگیز "انسان" توسط پیروان و سردمداران مکتب به اصطلاح مترقی و علمی
 (؟) مارکسیزم، روز بخاک و خون کشیده شدن همه، افسار ملت از جمله کارگران،
 دهقانان ۰۰۰ بدست طرفداران به اصطلاح کارگران ۰۰۰ روز قربانیهای
 مظلومانه و بی شمار ملتی که با همه هستی و تاب و تلاش خویش بسر پای
 بنیاد اندیشه
 ایستاده تا از افتادن و له شدن در زیر تانکهای ارتش خونخوار سرخ، محفوظ
 بماند ۰۰۰ در این روز شوم و سیاه، بیش از یکصد هزار ارتش اشغالگر تابه
 دندان مسلح روس، از زمین و هوا، وارد میهن ما شده و پس از لشکر کشیهای
 تاریخی چنگیز خان، تیمور ۰۰ انگریز و ۰۰ لشکر چهلیم کرملین، بار دیگر
 "قلب تپنده اسلام" را در خون تپاند و این "مظالم الشمس" اسلام را در
 سیاهی و تاریکی فرو برد ۰۰۰

ما اکنون بر آن نیستیم که در غم آنروز، مرثیه بسرائیم و نوحه و ناله سر دهیم زیرا ملت مسلمان ما با رشادت و شهامتی بی نظیر و با قامتی به استواری کوه و به بلندی آسمان، در قلب آن شب و روز سایه، طرح "سپیده" در انداخت و با قدرت "ایمان" و شعله "خشم مقدس" جهاد، دشمن بدکیش و بد اندیش را از کردار نابخردانه اش، پشیمان ساخته و به روشنائی آفتاب حقانیت و مظلومیت خود را به اثبات رسانده و خصم بدگال را رسوا و سرافکنده، خام و خاص گردانید ۰۰۰ بل تا آنجا که در قلمرو يك بیانسیه بگنجد، می خواهیم بار دیگر هویت اصلی و اهداف محوری انقلاب ملت مسلمان را به خامه کشیم و توطئه های جدید استکبار^۱ و امپریالیزم اشغالگر روس را تبیین نموده و مواضع و شیوه های مبارزاتی خویش را بیان داریم :

انقلاب اسلامی ما که در ۶ جدی (دیماه) سال ۱۳۵۸ وارد سرفصل نوین و مرحله جدیدی گردید، شعار های استراتژیک، اهداف و بنیاد های فکری و سیاسی و مواضع اصلی و اصولی و هویت مخصوص بخود، دارد که ذیلاقنمتی از آن توضیح داده می شود :

۱- استقلال : بدون شك در این پیکار سرنوشت ساز، تامین استقلال میهن اسلامی، یکی از مهم ترین هدفها بشمار میرود، جنگ ما جنگ استقلال است، جنگ ضد استعماری و رهاشی بخش است، امپریالیزم خون آشام روس بر اساس ماهیت پلید استعماری و اهداف ناپاک توسعه طلبی همچون همه، استعمارگران ددمنش تاریخ، غاصبانه و بیشرمانه، استقلال میهن و ملت ما را به مخاطره انداخته و افغانستان اسلامی را بصورت یکی از اقمار خسود

در آورده و رژیم مزدور و وابسته کمونیست ها را بر ملت ما تحمیل نموده و هدف روسی کردن افغانستان را در سر می پروراند و از این رو ، جنگ ما بلك جنبه مقدس است ، جنگ عادلانه و برحق است ، ما نه بر ملتی تجاوز کرده ایم و نه استقلال کسی را بمخاطره انداخته ایم و نه غرض استثمار و استعمار داریم ، ما در مبارزه با روس ، هدف استقلال داریم ، استقلال در همه ابعاد سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... ما میخواهیم استقلال سیاسی افغانستان تمامین شود ، یعنی تمامیت ارضی افغانستان محفوظ مانده و وابستگی سیاسی به بیگانه نداشته و ملت ما آزادانه سرنوشت سیاسی و رژیم مطلوب و آینده آل خود را انتخاب نماید اما روسیه از یکطرف ، ضمیمه و اشغال افغانستان را به خود در نظر داشته و از طرف دیگر با سربزه و فشار ارتش سفاک سرخ ، رژیم خلفیها را روی کار آورده است ، رژیمی که ذره ای موقعیت مردمی نداشته و با همه عنعنات و ارزشها و معتقدات و آرمانهای ملت بیگانه است و از سبوی دیگر روسیه میخواهد از افغانستان بلك پلی بسازد برای عبور بسوی اقیانوس هند و خلیج فارس و قسطنطنیه منابع اقتصادی ملت های مسلمان آسیا و خاور میانه . روی این جهت است که ملت ما قیام کرده و نخواهد گذاشت که افغانستان ضمیمه روس شود ، اجازه نخواهد داد که سکوی پرشی شود برای غارت ملت ها و کشورهای دیگر و برآستی که امروز افغانستان بلك در مقاومتی است در برابر توسعه طلبی های روسیه ، اگر این در مقاومت - خدای ناخواسته - تسخیر شود ، آنگاه نوبت به چین پاکستان و ایران و کشورهای خلیج فسا خواهد

امپریالیزم روسیه نه تنها از نظر سیاسی که از حیث اقتصادی نیز استقلال ما را تبدیل به وابستگی کرده است . اقتصاد امروز افغانستان یک اقتصاد وابسته است ، وابسته به نظام اقتصادی روسیه ، همه ثروت طبیعی و دست ناخورده ما را بفارت می برد و یا با قیمت های مفت خریداری کرده و در مقابل کالا های گنبدیده و پس مانده ، روسی را تحویل می دهد که آنهم همه اش صرف خرج جنگ استعماری و ناعادلانه ای میشود که به قتل عام ملت خود ما می انجامد گرچه روسیه و رژیم مزدور کابل در تبلیغات و پروپاگند های خود از اقتصاد در حال شکوفا ، از اصلاحات ارضی ، از آزاد تولید و فزونی محصولات کشاورزی ، سخن می گوید اما روشن است که به آتش و دزدن و بمباران کردن مناطق زراعتی روستا ها و با سر باز گیری های اجباری و فرار و مهاجرت بیش از پنج میلیون نیروی فعال کارگر و دهقان بخارج از کشور و نیز خرابی های ناشی از جنگ در جاده ها و راه های ارتباطی داخل کشور ، اقتصاد افغانستان را فلج کرده است ، قحطی و گرسنگی همانگونه که در "اتیوپی" مستعمره ، دیگر روسیه در آفریقا بیداد میکند در افغانستان نیز مردم را به خطر مرگ مواجه ساخته است ، نرخ مواد خوراکی از نرخ های قبلی به مراتب بالا تر رفته و حتی در شهر ها نیاز های اولیه ، مردم تامین نمیشود ، گرچه رژیم های قبیلوی ظاهر شاه و داود خان هم برای رفاه و بهروزی این ملت محروم هیچ قدم مثبتی بر نداشته و برای بهبودی وضعیت اقتصادی کشور ، هیچ کاری نکرده بودند اما باز هم بدینصورت که امروز چرخ اقتصادی کشور فلج شده و ملت ما دچار قحطی و گرسنگی شده ، نبوده است ، بنابر این ما در جنگ رهائی

بخش خود می‌خواهیم استقلال اقتصادی افغانستان نیز تامین شود .

هدف دیگر روسیه ، وابستگی فرهنگی افغانستان است بدین معنی که فرهنگ روسی و ایدئولوژی کمونیستی را در افغانستان حاکم ساخته و فرهنگ اسلامی و ملی ما را نابود نماید و آنچه که در این مورد از همه خطرناکتر است روش سوسیالیزه کردن اسلام یعنی مسخ اسلام و رنگ و روغن دادن کمونیسم توسط روحانی نمایان مزدور و کمونیست های بظاهر مسلمان است ، روسیه از این راه می‌خواهد ، مستحکمترین و غنی ترین پشتوانه جنگ استقلال ملت ما را با انحراف بکشاند و یکی از نیرومند ترین انگیزه های نهضت ما را لوٹ نماید اما کشور خوانده است ، ما اگر استقلال سیاسی و اقتصادی می‌خواهیم برای استقلال فرهنگی و فکری مان می‌خواهیم چرا که استقلال فرهنگی خود پایه مستحکم استقلال سیاسی و اقتصادی است . پس نخستین هدف ملت ما در این جنگ سرنوشت ساز قرن ، تامین استقلال است ، استقلال در همه ابعاد سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی .



۲- آزادی :

بنیاد اندیشه

دومین هدف در انقلاب اسلامی ما ، تامین "آزادی" است ، آزادی همان آرمان مقدسی است که در طول قرن ها و سالها ، تحرك بزرگو و مهمی برای مشریت مظلوم و ستمکش بوده و داستان پر ماجرا و شگفت آمیز و حماسه ساز پیکار ها و نبرد ها و شهادتها و فداکاریهای فوق العاده غرور بخش و هیجان انگیز تاریخ انسانیت رنجدیده ، همگی بیانگر قداست و ارجی است که در جوهره این واژه زیبا اما مظلوم وجود دارد ، تمام قلدران و سردمداران

فرعون منش اولین تلاش شان این بوده که ملتی را، امتی را، جمعی و فردی را برای استثمار و استبداد بیشتر، به بند دیکتاتوری بکشند و زنجیر بیدادگری بر دست و پای شان ببندند و شلاق ستم و استبداد بر پشت و پهلوهای شان فرود آرند چرا که تا انسانها آزاد باشند و به آزادی و آزادی ایمان داشته باشند، هرگز تن به ذلت بردگی و خدمت پادشاه و سلطان و ارباب نمی دهند و هرگز گوسفند پشم و شیر ده برای انسانهای گرگ صفت نمی شوند پس بایست از آنان آزادی را گرفت چه با زور و یا با تزویر، گاه مکارانه و دغلبازانه بجای آزادی، "جبر" را اختراع کردند، جبر الهی، جبر طبیعت، جبر جامعه و محیط، جبر تاریخ و اقتصاد و ابزار تولید؛ تا حکومت "جبارانه" خود شان را توجیه علمی و مذهبی کرده باشند و گاه از زور استفاده کرده و انسانها را مجبور به تن دادن به استبداد و دیکتاتوری ساختند *

ملت مسلمان افغانستان نیز بحیث بخش کوچکی از بشریت مظلوم، سالهای سال در زیر شلاق استبداد و زنجیر دیکتاتوری نالیده و فریاد کسرده و جسان بساخته و هرگز طعم شیرین "آزادی" را نچشیده است، استبداد سیاسی در افغانستان که برخاسته از استبداد های نژادی و مذهبی بود، ملّت ما را فرعون وار به بند استضعاف و تفرقه کشیده و آزادیهای سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی را از وی سلب کرده بود، احدی حق فریاد نداشت، حق اعلام موجودیت نداشت و حتی حق فکر کردن و اندیشیدن نداشت * رژیمهای مزدور و استبدادی قبیلوی، سدوزائی و محمد زائی و فلان زائی همه چیز را در انحصار خود داشته و همه کس را در خدمت خود می پنداشتند، این سلسله کشیف با

نابودی رژیم داود خان ، طومار حیاتش درهم پیچیده شد و ملت مسلمان بلادیده ، اندر خیال اینکه از چنگ دیو استبداد رهیده ، ناگهان در چنگال غول دیکتاتوری به اصطلاح پرولیتاریائی روس گرفتار آمد ، خلقهای ضد خلق بدتر و پلید تر از رژیمهای پیشین عمل کردند و ملت مسلمان را از ساده ترین حقوق اجتماعی و مذهبی و سیاسی اش محروم ساختند که امروز این جنایتها برای احدى پوشیده نبوده و روشن تر از آفتاب ، سند سیاه استبداد کمونیستها است .

بنا بر این در قدم اول مبارزه ملت ما ، اسلامی و رهائی بخش و بسر ضد استعمار و اشغالگر خارجی است اما آزادی هم در این میان آرد مان برحق و ولای مردم ما است ، ما دست به مبارزه زده ایم تا فردای بهتری بسرای خود بیافرینیم ، ما دست به مبارزه زده ایم تا آزاد تر و انسانی تر و شرافتمندانه تر زندگی نمائیم ، ما دست به مبارزه زده ایم که از شلاق استبداد و دیکتاتوری آزاد گردیده و بر معیار قرآن کریم زندگی آزاده را براه اندازیم و آزاد بزمیم .

۳- برادری و برابری :

در قدم دیگر ، برادری و برابری نیز از آرمانها و اهداف برحق انقلاب بنیاد اندیشه شکوهمند اسلامی است . در افغانستان برابری نبوده است نه برابری حقوقی و نه برابری اقتصادی ، اقشار استثمارگر و قبایل مسلط حاکم ، قارون وار ، ثروت کشور را بلعیده و کارگران و دهقانان مستضعف را به استثمار گرفتند و شکاف های طبقاتی را هر روز عمیق تر و بیشتر ساختند و کمونیستهای وطن فروش نیز آمدند این شکاف را بیش از پیش عمیق تر کردند و همه کشور را یکسره به اربابان شان باختند ، آری برابری نبوده است چون "برادری" نبوده است ، برابری

بر پایه برادری است ، اگر رابطه انسانها بر پایه اخوت و برادری نباشد ، قطعا برپایه تبعیض و خانسالاری و قبیله سالاری و ... خواهد بود و به همین جهت است که اسلام بیش از هر چیز روی " اخوت " تکیه میکند و روی مساوات . اگر انسانها با هم برادر باشند ، برادروار زندگی خواهند کرد و هیچ برادری بر برادر دیگر تبعیض و امتیاز نخواهد یافت ، ما در افغانستان ، بسایید فرهنگ " اخوت " را زنده کنیم تا بتوانیم شعار برابری را نیز پیاده نمائیم وگرنه باز هم همان آتش است و همان کاسه ، همان استعمار است و همان تبعیض و نابرابری .

۴- جمهوری اسلامی :

جمهوری اسلامی دو واژه مقدس و زیبایی که آخرین آرمان در سلسله اهداف مبارزات برحق ملت ما قرار دارد ، جمهوری اسلامی ، نجم نظام و رؤیای است که در سایه آن همه اهداف ملت ستمدیده ما برآورده خواهد شد ، "جمهوریت" نظامی است که در پرتو آن جنایتها و خیانتهای سلطنتی و پادشاهی ریشه کن شده و همه امور به خود "جمهور" یعنی مردم و تسوده ها داده خواهد شد ، مردم آزادانه ، سرنوشت خود را بدست خود گرفته و خود بر خود اعمال حاکمیت خواهد کرد اما این جمهوریت و این نظام ، تنها در سایه "اسلام" اصیل و با محتوای اسلامی میتواند آن هدف را برآورده کند و نه در سایه "مارکسیسم" یا "لیبرالیسم" یا "ناسیونالیسم" یا ... چرا که این مکتبها هر کدام ضد مردم و ضد توده ها بوده و به ارزشهای والای انسانیستی ، پایبند نیستند و هر يك تجربه خود را داده و از امتحان ناکام بیرون آمده اند و امروز همین جمهوری مارکسیستی به اصطلاح "دیموکراتیک" است که

ملت ما را این چنین خار و ذلیل و آواره ساخته و بیش از یک میلیون انسان را بسیار "دیموکرات مآبانه" ! از دم توپ و تانک گذرانده و مظلومانه بهشهادت رسانده است ، تنها اسلام است که میتواند حافظ شرف و استقلال و آزادی ما باشد و برادری و برابری را برای ما به ارمغان آورد نه مکتبها و تفکرات دیگر و از اینرو است ملت ما شعار "جمهوری اسلامی" را هر روز گوینده تر از پیش فریاد میکند و در راه استقرار آن جانفشانی می نمایند ، بنابر این "جمهوری اسلامی" یکی از شعار ها و اهداف استراتژیک و غیر قابل

خواننده گرامی !

از آنچه تا بدین جا نوشته آمدیم ، لابد درك کرده ای که هویت اصلی انقلاب ما چیست ؟ چه اهدافی را دنبال میکند ؟ و چه شاخصه های دارد ؟
انقلاب ما :

۱- از حیث اعتقادی ، هویت اسلامی دارد ، چهره مذهبی دارد ، انگیزه اصلی حرکت را و حرکت بخش مردم ، بیش از هر چیز دیگر ، اسلام و مذهب بوده و هست .

بنیاد اندیشه

۲- از حیث سیاسی ، رهائی بخش و ضد استعماری است ، جنگ استقلال است و بر ضد دشمن اشغالگر خارجی و هر جنگ فرعی دیگر در این شرایط ، خیانت به اسلام و انقلاب و ملت و ناآگاهانه به نفع دشمن خواهد بود .

۳- در سطح جهانی ، ضد امپریالیستی و ضد استکباری است و همه قدرت های امپریالیستی را دشمنان اصلی مستضعفین و مسلمین میدانند هر چند که در این شرایط ، دشمن رویارو و عمده برای ما ، امپریالیزم اشغالگر روسیه است .

۲- انقلاب ما چند بُعدی است یعنی فرهنگی ، ایدئولوژیکی ، سیاسی نظامی ، از یکطرف مارکسیزم بعنوان یک ایدئولوژی در برابر ما قرار دارد که باید با مکتب اسلام در برابر آن بایستیم و از سوی دیگر ملت ما تفنگ بر دوش و مسلحانه بر ضد دشمن قیام کرده است چرا که اشغالگر مسلح را تنها با مبارزه مسلحانه میتوان بیرون راند و نه با تبلیغات و مبارزه سیاسی مذاکرات مساومت آمیز پشت میزی .

۳- انقلاب ما مردمی است ، تکیه گاه اصلی ما توده های مسلمان است نه یک طبقه و یا گروه و صنف مشخص و مشخص اما از آنجا که مردم همیشه نیاز به نیرو های پیشتاناز جهت بخش و رهبری کننده دارد و چون از سوی دیگر انقلاب ما ، اسلامی است ، پیشتانان این انقلاب هم کسانی اند که ایمان و شناخت و مرد اسلامی بیشتر دارند و انقلاب اسلامی را بهتر درک کرده اند یعنی روحانیت متعهد و انقلابی و روشنفکر مسلمان متعهد ، طلبه و دانشجو ، پیش آهنگران انقلاب ما خواهند بود البته نه روحانیت بی تعهد و بی تقوا و نه روشنفکران قلابی و فرصت طلب و عقده ای و چاپ زده و راست زده که این هر دو خائن به انقلاب اند و مزدور دشمن هستند و هر دو هم امروز در یک اتحاد نامقدس بر ضد انقلابیون اصیل مسلمان یعنی روحانیون مبارز و بیدار و درد رسیده و روشنفکران مسلمان و دلسوز و مخلص ، موضع گرفته و هر دو هم لانس و آشیانه خوبی برای پرورش و تکثیر نسل ضد انقلاب گشته اند .

مطلب مهم دیگری که در این رابطه باید گفته شود ، بُعد بین المللی انقلاب

ما است ، ما بخشی از جهان مستضعف هستیم ، ملت ما بخش کم حاکم ا :

امت بزرگد اسلامی است ، جنبش ما قطره اندکی از دریای خروشان و طوفانده انقلاب بین المللی اسلامی است ، درست است که هر انقلابی در هر کشوری ، شرایط و زمینه مخصوصی بخود را داشته و از جغرافیای زمانی و مکانی و فرهنگی ویژه ای برمی خیزد اما هرگز در جهت و آهنگ کلی حرکت و آرمان های اصلی و نهائی خود نمیتواند از دیگران جدا باشد ، ما اگر در انقلاب افغانستان ، این شعار ها را طرح میکنیم "و استقلال و آزادی و برادری و برابری و جمهوری اسلامی" را بر سر لوحه اهداف خود قرار میدهیم بمعنای منحصر شدن در حد و مرز های کوچک و خشک جغرافیائی و اقلیمی و نژادی نیست ما این اهداف را ، اهداف امت اسلامی نیز میدانیم ، ما خود را شریک درد ها و مظلومیت های جهان اسلام و امت اسلامی را نیز شریک غم و اندوه و مظلومیت خود میدانیم ، دشمنان اصلی ما یکی است ، جهت کلی حرکت ما هم یکی است یعنی حاکمیت اسلام و برقراری "اتحاد جماهیر اسلامی" و در نتیجه ساختن جامعه خلیفه الله و انسان خلیفه الله ، آنروز که امت اسلامی بپسدار شده و همه ، متحد و یکپارچه ، قلب پلید "ائمه کفر" را نشانه گرفته و برقراری اتحاد جماهیر اسلامی را هدف اصلی خود قرار دهند ، تنها آرزو و آرمان ما بوده که بر آورده خواهد شد .

انقلاب مردم ما با چنین هویت ، اهداف ، آرمانها و ابعاد است که دشمن اشغالگر را اکنون بیش از پیش به ستوه آورده و ارتش سرخ را با همه قسدرت عظیم نظامی و تسلیحاتی اش به ذلت و زبونی کشانده و ماهیت توسعه طلبانه و اسپریالیستی سرخهای تزاری را افشا نموده است ، کمونیستهای گرمایین

با سردادن شعار های مترقی مآبانه ، "همزیستی مساوات آمیز" ، " نفسی
استثمار انسان از انسان : و ۰۰۰ را ادعا میکردند و خیال رهبری جهان را
در سر می‌پروراندند اما اشغال نظامی افغانستان و مظلومیت مردم بی‌دفاع ما ،
پرده تزویر کمونیستها را کنار زده و چهره کریه آنان را بدانگونه که هست
به نمایش گذاشت ، حتی در اصل ۲۹ قانون اساسی روسیه در رابطه با اصول
روابط روسیه با کشور ها و دولت‌ها چنین میخوانیم : " روابط اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی با سایر دول در چارچوب حسن همجواری و رعایت حقوق
متقابل ، جلوگیری طرفین از تجاوز و تهدید نظامی ، برسمیت شناختن مرزهای
قانونی مشترک ، احترام به تمامیت ارضی ، حل اختلافات از طریق صلح آمیز ،
عدم دخالت در اوضاع داخلی یکدیگر ، احترام به حقوق انسانی و آزادیها و
احترام به اصل تساوی حقوق و حق قومیت ها در رابطه با حق تعیین سرنوشت
استوار است " .

اما برای همه عیان است که روسها در تاریخ هفتاد سال اخیر خود نه "حسن
همجواری" داشته اند و نه "حقوق متقابل" را رعایت کرده اند و نه "مرز های
قانونی" را برسمیت شناخته اند و نه به "تمامیت ارضی" دیگران احترام
گذاشته اند و نه به "حقوق انسانی" و آزادی و تساوی حقوق و حق قومیت ها و
ملیتها ، پایبندی نشان داده اند و همواره شیوه عمل کرم‌لین در رابطه با کشور
ها و ملت‌ها بر پایه ایجاد بلوا و آشوب ، جنگهای داخلی ، کودتا ، اشغال
نظامی ، اعمال سلطه و مداخلات نا بجا و ۰۰۰ بوده است ، سونوشت ملت های
لهستان ، بلغارستان ، چکسلواکیا ، آلمان شرق ، مجارستان و ۰۰۰

ماهند این مدعاست ، خونریزی ها و کودتا های پی در پی در " یمن جنوبی " و اختناق و قحطی و عقب ماندگی در " اتیوپی " از اعمال دیگر روسها است ، قارهء وسیع و استراتژیک آسیا از صحنه های دیگر تاخت و تاز روسیه بوده و هست ، سرزمین زرخیز و نفتی خلیج فارس و اقیانوس هند از نقاط مهم مورد هدف سردمداران کرملین می باشد ، طرح به اصطلاح " امنیت قاره آسیا " که از دیر زمان از طرف روسیه مطرح می شده ، هدف از آن طرد و حذف امریکا و چین از منطقه و تداوم روند سلطه گری کرملین است و در این میان رژیم " گاندی " در هندوستان بعنوان هم پیمان و جاده صافکن روسیه در شبه قاره هند ، نقش اصلی تخریبی را برعهده دارد و حتی سفر اخیر گورباچف به هند نیز در همین رابطه بود گرچه پوشش مذاکرات فیما بین ، مسائل استراتژیک بین المللی و خلع سلاح و سلاحهای هسته ای و صلح بین المللی اعلام شد اما هدف اصلی در مذاکرات ، تحریک هدف برای مقابله با چین و پاکستان و تقویت موضع منفی و خصمانه رژیم گاندی در قبال انقلاب اسلامی افغانستان و سخت گیری در رابطه با حضور مجاهدین و مهاجرین افغانستانی ^{بنیاد اندیشه} ^{مقیم} هند بود و از عنصر ضد مذهب و ضد اسلام همچون راجیو گاندی هیچ جای تعجیبی هم نیست کسیه در ملاقاتش با گورباچف ضمن تسجید و ستایش او را " مجاهد راه صلح " لقب داد ! عجب صلحی ! و عجب مجاهدی !

سیاست روسیه در مجموع مبتنی بر اصل " حذف و ادغام " است : حذف رقیب از صحنه های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی و ادغام سرزمینهای کشور ها و ملت ها به خانواده بزرگ سوسیالیستی که برادر بزرگتر ! و تصمیم

گیرنده و مسلط در آن خود روسیه است . پیمان ورشو که در ۱۴ ماه می ۱۹۵۵ م
ابتداءً " برای مقابله با بلوک غرب بوجود آمد ، کم کم وسیله ای شد برای تسلط
روسیه بر سرنوشت نظامی کشور های عضو و حتی ارگانهای رهبری کننده و تصمیم
گیرنده در تشکیلات "ورشو" ، مستقیماً بدست خود روسها است ، همیشه
فرمانده کل قوای پیمان و نیز رئیس ستاد مشترک از روسها بوده است و
رؤسای نظامی کشور های عضو نیز باید افرادی باشند که آموزشها و شخصیت
مشابهی داشته باشند ، همه جنرال ها ، افسران و درجه داران ، در آکادمی
های نظامی روسیه ، آموزش می یابند و با استراتژی و تاکتیک و تکنیک و
سیاست و فرهنگ روسیه ، تربیت میشوند و از طریق همین پیمان است که اسلحه
و تکنیکهای دفاعی کشور های عضو ، یکنواخت میگرددند و روسیه ، خود ، اولین
تولید کننده تسلیحات ارتشهای این کشور ها شمرده میشود و بدین ترتیب همه
اعضا ، از نظر نظامی ، وابسته به روسیه و بل ادغام در تشکیلات نظامی
مسکو میگردند و ملاقاتهای دو جانبه و مانور های مشترک نظامی و برنامه های
آموزش سیاسی - نظامی ، بولتن های مشترک اطلاعاتی و دستور العملهای
نظامی بزرگان روسی همه از راههای دیگری است برای اختلاط و ادغام
(انتگراسیون) فکری ، اخلاقی ، سیاسی و غیره .

پیمان ورشو مخصوص روسیه و کشور های اروپائی : آلمان ، رومانی ،
مجارستان ، بلغارستان ، چکسلواکی و لهستان است اما "کومکن" (سازمان
سماون و همکاری اقتصادی) تشکیل شده در سال ۱۹۴۹ ، ارگانی است که از
"ورشو" باز تر است و دولتهایی که نمی توانند و یا نمی خواهند به ورشو



• ملحق شوند ، میتوانند در "کومکن" عضویت یابند و لذا یوگسلاوی از ورشو جدا است اما از سال ۱۹۶۴ م پیوسته عضو کومکن بوده است و همچنین مغولستان ، ویتنام و کوبا که اروپائی هم نیستند ، عضو این سازمان می باشند و شایسته در آینده افغانستان را نیز داخل در این سازمان نمایند . در کومکن چند واقعیت مشهود است : اول اینکه این سازمان ، توازن ندارد ، اعضای آن متشکل از يك ابر قدرت و چند کشور بسیار كوچك و ضعیف است كه خود بخود دیگران را به آن ابر قدرت وابسته میسازد . دوم اینکه تنها روسیه است كه ابتكار ایجاد آن و تدوین همه طرحها و پلانیهای اجرائی و تئوریکي آن را بعهده دارد و نه دیگران . سوم اینکه کومکن با يك هدف مشخص و ثابت ، پیش میرود كه در دو مرحله خلاصه میشود : مرحله اول هم جنس سازی است یعنی تولید کالا و ایستارز متحدالشكل و یکنواخت برای همه و طبق خواست خود روسیه و مرحله دوم ادغام كامل اقتصادی کشور های عضو است و بدین ترتیب کومکن پوششی است برای وابسته ساختن کشور های عضو و غارت و چپاول منافع اقتصادی آنان و در نتیجه : ادغام و هضم آنان در خود . و در کنار ورشو و کومکن ، تعهدات ، پیمان نامه ها و قرار داد های کوتاه مدت و دراز مدت با کشور های مختلف جهان از راههای دیگری است كه روسیه بمنظور رسیدن به اهداف امپریالیستی خود ، متعقد می نماید .

روس جهانخوار با چنین هویت ، اهداف و شیوه ها است كه رو با افغانستان آورده و میخواهد این كه در را نیز همچون اروپای شرقی و آسیای میانه ، در خود ادغام نماید و لذا پس از يك حرکت چند مرحله ای در ۶ جدی ۱۳۵۸ کشور ما را

اشغال نظامی نمود. البته در باره کیفیت اشغال و اهداف و انگیزه های آن ، سخن زیاد گفته و نوشته شده است و ما در این جا تنها به بررسی وضعیت عمومی اشغالگران بسنده می کنیم :

روسها پس از اشغال ، دو نوع حرکتی متفاوت انجام دادند :

الف - در مرحله اول ، استراتژی روسیه مبتنی بر "خشونت و سرکشیوب نظامی" بود ، بیش از یکصد هزار نیروی مسلح را با تمام تجهیزات و امکانات ، وارد افغانستان نمودند ، شهر های بزرگ و نقاط استراتژیک را تحت کنترل در گرفته و افسران و درجه داران افغانستانی را از منصب هایشان برکنار نموده و همه پستهای نظامی را مبدعراً در اختیار خود گرفتند ، بمبارانها و تهاجمات وحشیانه و دستگیری ها و زندان کردنهای عمومی را بهدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم ، آغاز کردند ، اما اولین عکس العمل مردم ما پس از تقریباً دو ماه از اشغال ، قیام عظیم و سرتاسری مردم مسلمان کابل در سوم خوت ۵۸ بود که روسها را وحشت زده کرده و با سرکوب خونین از طرف ارتش سرخ خاتمه یافت و پس از آن نیز مقاومت مردم در سراسر نقاط میهن ، شدت یافته و مجاهدین بیش از پیش به سنگرها شتافتند و مناطق وسیعی از کشور را آزاد نمودند و از طرف دیگر سربازان مسلمانیکه از جمهوری های مسلمان نشین روسیه به افغانستان آورده شده بودند ، دست از جنگ کشیده و با برادران مسلمان افغانستانی خود ، احساس همدردی و اعلام همبستگی کردند و سایر سربازان روسی نیز خود را در آتش جنگی یافتند که روشنگر آن سردمداران قدرت طلب کرمین بود و بنا حق بر ملتی مظلومی که هدفی جز مستقل و آزاد زیستن .

ندارد، تحمیل شده است. به اضافه، اینکه در کنار این تهاجمات و عملیات نظامی، تلفات و خسارات جانی و مالی روسها بیش از حد بوده است. و از سوی دیگر انعکاس خارجی و بین المللی این اشغال و سرکوب نظامی هم آنقدر شدید بود که همه ملت‌های آزاده جهان و کلیه ارگانها و موسسات بیسن المللی از این وحشیگری‌ها، اعلام تنفر و انزجار و از مردم افغانستان ابراز حمایت و پشتیبانی نمودند و حتی در نشستهای مجمع سازمان ملل هر سال بر تعداد آراء مخالف روسها و طرفدار مجاهدین افزوده گشت و در مجموع پرسشهای سیاسی و بین المللی روسیه، مواجه با ضربه جبران ناپذیری گردید.

بدین جهت روسها دریافته‌اند که تنها با "سرکوب نظامی"، نمیتوانند ملت مسلمان افغانستان را زیر سلطه کشیده و خشم مقدس جهاد را فر نشانند و موقعیت خود را تثبیت نمایند، بنابراین حرکتی از نوع دیگر را آغاز کرده و شیوه‌های دیگری را در پیش گرفتند:

ب- در این مرحله، استراتژی روسیه، مبتنی بر یک سلسله فعالیت‌ها و حرکات‌های وسیع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است که چند هدف کلی را دنبال مینمود: اولاً میخواستند موقعیت رژیم کابل در میان مردم افغانستان و در سطح بین المللی تثبیت شود و ثانیاً با نفوذ عوامل دشمن در صفوف انقلاب، اختلاف و تفرقه افتاده و حساسیت‌های گوناگون در جامعه دامن زده شود و ثالثاً اسلام بعنوان پایه ایدئولوژیک انقلاب، تضعیف شده و افکار کمونیستی و الحادی در اذهان نفوذ یابد. تحقق اهداف فوق با سرکوب نظامی امکان پذیر نبود، باید با برنامه ریزی سنجیده، اقدامات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و

تبلیغاتی صورت می‌گرفت که روسها در این دو سه سال اخیر بعنوان نمونه ،
 طرحهای زیر را به اجرا گذاشتند :

- ۱- تشکیل جبهه ، ملی پدر وطن ۲- تشکیل جمعیت العلماء و وزارت شئون
 اسلامی ۳- وزارت اقوام و قبایل ۴- تشکیل لویه جرگه و جرگه های قبیله ای ۵-
 طرح راه حل سیاسی قضیه افغانستان و مذاکرات ژنو ۶- طرح آشتی ملی و وارد
 کردن عناصر به اصطلاح غیر حزبی در ارگان های دولتی ۷- ایجاد قحطی و گرسنگی
 از راههای گوناگون در مناطقی آزاد شده ۸- آواره ساختن بیش از حصد مردم
 مسلمان ۹- تلاش برای قطع ارتباطات مجاهدین در ساحه های داخل و خارج کشور
 و اجرای طرح به اصطلاح کمر بندی امنیتی ۱۰- تبلیغات وسیع رادیو - تلویزیونی
 و مطبوعاتی و نشراتی در سطح داخل و خارج کشور برای مخدوش ساختن جبهه
 مجاهدین ۱۱- اسلام نمائی و احترام ظاهری به عنعنات ملی و مقدسات مذهبی
 مردم و

اما هوشیاری و بیداری سیاسی و آگاهی اسلامی و تجربه ، نظامی مردم ما
 همه این نقشه های شوم استعماری را نقش بر آب ساخته و دشمن را بیش از هر
 وقت دیگر ، حیرت زده ساخته است ، از یکطرف رژیم کابل در وضعیت درونی
 خود ، گرفتار تضاد های شدید و درگیری های خونین در میان جناحهای متخاصم
 میباشد ، ببرک کارمل مزدور اصلی روسیه که عربده کشان همراه با تانکها و
 نیرو های روسی در ۶ جدی ۵۸ وارد افغانستان شده بود در ۶۵/۸/۲۹ از تمام
 پستهای حزبی و دولتی برکنار شده و نجیب جلال ، بکه تاز میدان گردید و
 مزدور دیگری که به اصطلاح غیر حزبی است و هم "حاجی" و به حج رفته ا و

قطعا مسلمان نیز (یعنی " حاج محمد چمکنی " به ریاست به اصطلاح هیئت
 شورای انقلاب نصب شد و درگیرهای خونین در میان طرفداران ببرلند
 نجیب ادامه یافت . جنرال عبدالقادر عنصر اصلی در کودتا های روسی
 افغانستان ، از پست وزارت دفاع برکنار و به لهستان بعنوان سفیر ، تبعید
 شد و جای وی را نظر محمد گرفت و طرفداران هر کدام به زد و خورد
 پرداختند و سیر در ۱۳۶۵/۹/۱۲ نظر محمد نیز از آن مقام ، عزل شده و
 " محمد رفیع " بعنوان وزیر دفاع منصوب گشت و همچنین شاه محمد دوست که در
 طول این هشت سال ، پست وزارت خارجه را برعهده داشته و عنصر اصلی
 مذاکرات ژنو بود ، عزل شده و عبدالوکیل عهده دار آن مقام گردید و خود
 او بعنوان سفیر در سازمان ملل تبعید گردید و در پی این تغییر و تحولات بود
 که نجیب در رأس یک هیئتی مرکب از : سلطانعلی گشت، محمد نخت و وزیر و
 عبدالوکیل وزیر خارجه و محمد رفیع وزیر دفاع و گلاب زوی وزیر داخله و
 شیره ، شتابزده در ۶۵/۹/۲۰ به مسکو و پابوسی گورباچف شتافت و این در
 حالی بود که گورباچف بنازگی از دهلی نو و مذاکره با گاندی پیرامون
 اوضاع منطقه مخصوصا افغانستان برگشته و در سخنانش حل قضیه افغانستان
 و خارج شدن نیرو های روسی را نوید داده بود و قطعا محور گفتگو های نجیب
 با گورباچف دو چیز بوده است : یکی اوضاع داخل افغانستان و نابسمانی
 رژیم و دیگر مسئله راه حل سیاسی و مذاکرات ژنو مخصوصا در موقعیکه
 کوردوز نماینده سازمان ملل بمدت ده روز در اوائل برج قوس به گشت و گذار در
 کابل و اسلام آباد و تهران پرداخته و عبدالستار مدرس کل وزارت خارجه

پاکستان نیز بهمین منظور به مسکو رفته و در این رابطه بین ایران و پاکستان نیز تبادل نظر هایی بعمل آمده بود، همه این تب و تلاش ها و مسافرت های زنجیره ای و پی در پی نشانه، وضعیت سیاسی متزلزل و بحرانی رژیم کابل و تحمیر و واماندگی سردمداران شرارت پیشه، کرملین است .

و از طرف دیگر وضعیت نظامی مجاهدین نیز رو به رشد و بالندگی و پختگی است همه اخبار و گزارشها در این یکسال اخیر حاکی از آن است که انقلابیون مسلمان با تجربه حاصل از هشت سال نبرد مستمر و بی وقفه با تلفات کمتر ، بزرگترین ضربات را بر پیگرد پیوسیده، رژیم کابل و ارتش اشغالگر وارد میسازند و در عمق پایگاههای مستحکم دشمن ، نفوذ کرده و در خود شهر کابل ، آرامش را از کمونیستها سلب نموده اند و بطور کلی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، روند جنگ سیر صعودی و تکاملی دارد، هیلیکوپتر ها و طیاره های جنگی دشمن، پیوسته توسط مجاهدین هدف آتش قرار گرفته و سرنگون میشوند و مجاهدین سلاحهای بهتر و پیشرفته تری از روسها به غنیمت گرفته و با ازبازار آزاد خریداری نموده اند و هم اکنون در تمام نقاط کشور، جنگ مقدس رهایی بخش با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد .

نقطه دیگری که در انقلاب اسلامی ما بسیار جالب توجه است ، تاثیر شگرف آن در اوضاع داخل روسیه میباشد، انقلاب ما در سطوح مختلف سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی روسیه تاثیر گذاشته است، وجدانهای مردم بیدار شده و ملیتهای مختلف داخل روسیه، به ماهیت تجاوزگرستی و استعماری رهبران کمونیست پی برده و اشغال افغانستان را بهیث یک تجاوز .

محکوم میدانند و فرزندان سرباز شائرا از شرکت کردن در جنگ افغانستان باز
 مگذارند چه خود شاهد هستند هر روز دهها عسکر روسی بدست مجاهدین مسلمان
 افغانستان و در راه اطماع بلند پروازانه کمونیستها و برای حمایت از رژیم
 که کمترین پایگاه توده‌ای و مردمی در افغانستان ندارد، بقتل میرسانند
 و جنازه هایشان مخفیانه و بدور از اقارب و خویشاوندان بخاک سپرده میشوند
 و یا در دره ها و کوههای بلند "بام دنیا" پوسیده و گندیده میگردد و از همه
 مهمتر تاثیر فرهنگی و معنوی انقلاب است، امروز اسلام بعنوان يك ایدئولوژی
 زنده در داخل روسیه مطرح شده و موج اسلام گرایی از نو آغاز گشته و حتی
 مسلمانان بیشماریکه در طول چندین سال در اثر فشار و اختناق و یا هر علت
 دیگر از اسلام و مذهب روی گردانده بودند، دوباره بسوی چشمه زلالین مذهب و
 معنویت رو می آورند و حتی بسیاری از کمونیستهای مسلمان آزاده دوباره
 بسوی شعائر و مقدسات مذهبی کشانده میشوند و همین علت است که از
 زمان رویکار آمدن گورباچف مخصوصا بعد از کنگره ۲۷ حزب کمونیست
 روسیه در اوائل سال جاری، تصمیم گرفته شد فعالیتهای شدید تری برای
 تبلیغ عقاید کمونیستی بجای عقاید مذهبی در جمهوریهای مسلمان نشین صورت
 گیرد و لذا روزنامه "تاجیکستان کمونیست" در تاریخ ۳ سپتامبر امسال
 نوشت: "ما مجبوریم در مورد حقیقتی تلخ صحبت کنیم و آن اینکه میسر
 مذهب گرایی در جمهوریهای آسیائی شوروی بطور موه تری افزایش یافته است"
 این روزنامه در تایید این نظر موارد گوناگونی را ذکر میکند: "اکنون مواردی
 بیشتری از معتقدات مذهبی توسط مسلمانان فعال به جوانان مسلمان آموخته

میشود، جزوات و نوار های کاست با محتوای ایدئولوژی مخرب که آموزش های
 اسلامی است، کپی شده، پخش میگردد و حتی فیلم های ویدئویی با مضامین
 اسلامی از خارج رسیده و نمایش داده میشود، مردم جمهوریها همچنین به رادیو
 های خارجی که با هدف گسترش و توسعه عقاید مذهبی برنامه پخش میکنند
 گوش فرا میدهند، در يك جمهوری از دانش آموزان يك مدرسهء حرفه ای،
 پزشکان و کارکنان يك بیمارستان و معلمان يك دبیرستان دخترانه، پرسیده شده
 بود آیا فکر میکنید وجود مذهب برای شما لازم است؟ اکثریت دانش آموزان و
 کارکنان بیمارستان و يك سوم معلمان مدرسه جواب مثبت داده بودند. احتمالاً
 بسیاری دیگر از آنها نسبت به مذهب گرایش داشتند اما می ترسیدند مبادا به
 موقعیت شغلی خود لطمه وارد آورند، هنگامیکه از پزشکان و کارمندان
 بیمارستان که خود را معتقد دانسته بودند سؤال شد چه چیزی در اسلام جذابیت
 دارد که شما را جذب کرده است؟ بسیاری جواب دادند: اصول اسلامی و
 گرایشات مذهبی نیروی متقاعد کننده دارد. "۰۰۰" سپس روزنامهء مزبور نتیجه
 میگیرد: "اگر پزشکان و معلمان که از پیش کسوتان علم ماتریالیسم باشند
 اینطور پاسخ دهند پس از مردم عادی نمیتوان انتظار داشت طرفدار اسلام
 نباشند" روزنامه سپس تأسف میخورد و می نویسد: "ترویج ایدهء ضد خدائی و
 الحاد و کفر باید سرعت بیشتری بگیرد" روزنامه با ذکر نمونه هائى،
 افزایش عقاید مذهبی را در تاجیکستان نشان میدهد مثلاً مینویسد "بسیاری
 از جوانان مخصوصاً دانش آموزان در ماه رمضان روزه گرفته اند، بر بچه های
 تازه بدنیا آمده نامهای اسلامی می نهند، بسیاری از مردم به ثبت ازدواج شان

در دفاتر کمونیست ها رغبت نشان نمیدهند آنها مایلند مراسم نکاح خود را طبق آئین اسلامی و اجرای صیغه عقد اجرا کنند ، مردم صدقات بسیاری جمع آوری و اعاناتی را جهت ساختن مساجد فراهم آورده اند ، در تابستان ها تعدادی از مردم مخصوصا روستائیان به یادگیری قرآن می پردازند ، گزارشات دیگری از جمهوری های ازبکستان ، قزاقستان و ترکمنستان وجود دارد که مسلمانان علی رغم تهدیدات و عدم تشویق مقامات دولتی به انجام فرایض دینی می پردازند ."

آری همه اینها از تاثیرات انقلاب اسلامی و جنگ ^{مذهبی} ناهشی است که روسها بر مسلمانان هموطن ما تحمیل کرده اند و ما خود شاهد هستیم که چگونه سربازان مسلمان روسی در افغانستان ، تفنگ و مهماتشان را میفروشند و در مقابل ، قرآن مجید می گیرند و هنگامیکه به روسیه برمیگردند ، برای پدر و مادر و نزدیکان شان قرآن را بعنوان سوغات میبرند و به همین جهت است که گورباچف همین پیش از مسافرت اخیر چهار روزه اش به هند ، در تاشکند پایتخت ازبکستان که از شهر های اسلامی است توقف کرده و ضمن صحبتی ، خواستار تعرض جدیدی علیه اعتقادات مذهبی در روسیه گردید . وی گفت : " باید باید پییده مذهب بطور جدی و سازش ناپذیر مبارزه کرد . . . و عدم اعتقاد به خدا بایست تقویت شود و تبلیغات بیشتری در این جهت صورت گیرد . " سپس وی از مقامات عالی رتبه ای که مدعی دفاع از اهداف کمونیسم هستند اما در مراسم مذهبی هم شرکت میکنند ، بشدت انتقاد نمود . و در این رابطه تظاهرات اخیر مردم مسلمان - جمهوری قزاقستان سخت جالب توجه است این تظاهرات پس از اظهارات یاسا -

شده، گورباچف صورت میگیرد و نشاندهنده، آنستکه مسلمانان پرده، سنگین
اختناق و استبداد را شکسته و اکنون میخواهند بصورت علنی در برابر مسکو
قیام کنند و ما سخت باور قاطع داریم که تداوم انقلاب اسلامی در افغانستان،
مسلمانان داخل این حصار آهنین که بیش ۵۰ میلیون جمعیت دارند، از نو زنده
و بیدار خواهد ساخت و بار دیگر ترکستان اشغالی و فراموش شده به دامن سپهر
بزرگ اسلامی باز خواهد گشت همانسان که خدای ناکرده در صورت شکست
مجاهدین مسلمان افغانستان و تثبیت سلطه، روسیه نه تنها ۵۰ میلیون مسلمان
روسیه برای همیشه در زنجیر کمونیسم، اسیر خواهند ماند که بسیاری از سر-
زمین های اسلامی دیگری غیر از افغانستان نیز در معرض خطر و تهاجم روسیه
قرار میگیرند *



خواننده گرامی !

از آنچه گفته آمدیم نتیجه می گیریم :

- استراتژی "سرکوب نظامی" روسیه در افغانستان، شکست خورده است.
- طرحها، پلنها و اقدامات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روسیه نیز
- کاری از پیش نبرده است *
- رژیم کمونیستی کابل در اوج بحران سیاسی - نظامی و در حال متلاشی
- شدن بسر می برد *
- مجاهدین مسلمان افغانستان در ابعاد مختلف، سیاسی، نظامی و
- فرهنگی، رشد و بالندگی روز افزونی یافته است *

- انقلاب اسلامی افغانستان در اوضاع داخل روسیه، تاثیرات شگرفی داشته *

و مذهب و اسلام را از نو در میان مسلمانان روسیه ، مطرح ساخته است .

برادر و خواهر مسلمان !

سازمان نصر افغانستان بحیث یک بخشی از جنبش مقاومت که با تاریخ ده سال نبرد پیگیر و بی امان خود بر ضد استکبار جهانی و امپریالیزم اشغالگر روس ، صد ها جوان دلیر ، رشید و رزمنده خود را قربانی راه اسلام ، استقلال و آزادی نموده و اکنون با تجربه سیاسی ، نظامی و فرهنگی فزونتر در راه رهایی و رستگاری پیش میرود و بار دیگر در ^{هفتین} سالگرد اشغال نظامی افغانستان مواضع قاطع و اسلامی و انقلابی خویش را بشرح زیر اعلام میدارد :

۱- انقلاب مردم ما ، انقلاب رهایی بخش است و متکی بر ایدئولوژی توحیدی

و مکتب نجات بخش اسلام و بر ضد مکتب الحادی مارکسیزم و هر نوع تفکرات انحرافی دیگر و بنا بر این هر نوع چپگرایی و راستگرایی را انحراف از ایدئولوژی انقلاب و خطوط اصلی مکتب میدانیم .

۲- "استقلال ، آزادی و جمهوری اسلامی" از اهداف و آرمانهای متصلایی

و برحق ما و "نه شرقی و نه غربی" و "جهاد مسلحانه" ^{۱۳۹۲} ~~اندر پایه~~ اصلی استراتژی سیاسی و مبارزاتی انقلاب اسلامی ما بوده و هر نوع انحراف از این اهداف و استراتژی و هر نوع وابستگی به شرق یا غرب و هر قدرت خارجی دیگر را انحراف از اسلام و انقلاب میدانیم .

۳- ما اشغال نظامی افغانستان توسط روس پلید را تجاوز به اسلام و جریم

انسانیت و مخالف همه حقوق و مقررات بین المللی دانسته و اکنون در ^{هفتین} ~~سالگرد~~

سالگرد ، بار دیگر سوگند یاد میکنیم که تا دفع تجاوز و رفع فتنه و اخراج آخرین

عسکر روسی و حاکمیت اسلام در افغانستان نبرد بی امان خویش را دامنه خواهیم داد.

۴- ما رژیم کمونیستی کابل را رژیم مزدور، وابسته و غاصب و ناجیب جلا را ناجیب تر از اسلاش و رویکار آوردن "چمکنی" را توطئه دیگر برای منحرف ساختن افغان عمومی میدانیم و با این رژیم الحادی هیچگونه سازش و مصالحه ای نخواهیم داشت.

۵- ما کنفرانس ژنو که تا کنون هشت دور آن انجام شده و بنا است در آینده باز هم از سر گرفته شود را توطئه پلید استکبار جهانی بر ضد انقلاب اسلامی افغانستان دانسته و مذاکره با دشمن را به هر نام و عنوانی که باشد و لو بسا پذیرفتن حضور نمایندگان مجاهدین در مذاکره، خیانت به اسلام و انقلاب و مردم افغانستان میدانیم و طرح به اصطلاح "آشتی ملی" و دولت ائتلافی را مسرود میدانیم و معتقدیم ملت ما تنها در جهات جهاد سرنوشت خود را تعیین کرده و حضور سربازان و نیروهای خارجی را به هر منظوری که باشد، رد میکند.

۶- از آنجا که اتحاد اصولی و مستحکم قرآنی، راس اصلی پیروزی انقلاب اسلامی است، ما از همه سازمانها و احزاب اصیل اسلامی افغانستان میخواهیم با طرد عناصر منافق، توطئه گر و وابسته دست بدست هم داده و اتحاد کامل را در میان خود حاکم سازند.

۷- از مهاجرین مسلمان هموطن میخواهیم رسالت و جایگاه "هجیرت" در اسلام و انقلاب را درک نموده و هوشیارانه با توطئه ها و پرو پاگند های استکبار جهانی مقابله نموده و زبان گویا و پیام رسانان صادق سنگر نشینان

میهن باشند و در سنگر هجرت به تهذیب و تعلّم و آموختن اخلاقیات و فرهنگ
انقلاب اسلامی بپردازند .

۸- از مواضع قاطع و انقلابی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با انقلاب

اسلامی افغانستان و مسئله "مذاکرات ونو" ، تشکر و قدردانی نموده و از
دولت جمهوری اسلامی ایران جدا خواستاریم که پسر از این نیز با اتخاذ موضع
مکتبی و انقلابی ، ملت مظلوم ما را یاری رسانده و از رفت و آمد های مشکوک
کوردوز و غیره جلوگیری نموده و در برابر طرحها و فشار های استکبار جهانی ،
قاطعانه بایستد .

۹- از همه ملت های مسلمان و جنبشهای رهایی بخش اسلامی در سطح جهان

میخواهیم که مظلومیت و حقانیت مردم ما را درک کرده و نشان دادن همبستگی
و همدردی خود ، ملت ما را یاری رسانند تا با تشکیل جبهه واحد اسلامی
در سطح جهان ، با دشمنان اسلام مقابله نموده و با تداوم نبرد مقدس رهایی
بخش آرمانهای بلند و توحیدی مکتب را تحقق بخشیم و حکومت واحد و موحد
جهانی را تشکیل دهیم . والسلام

بنیاد اندیشه



پیروز باد انقلاب اسلامی در سراسر جهان بر رهبری امام خمینی

پیروز باد انقلاب رهایی بخش اسلامی افغانستان

در آلتراز باد رایت خونین قیام مستضعفین جهان

مرگدیر امپریالیزم بین المللی به سرکردگی

روسیه، امریکا و چین

مرگدیر باند منفور خلق و پرچم و مزدوران بیگانه

سازمان نصر افغانستان ۶ جدی (دیماه) ۱۳۶۵





لازم است ملت مبارز افغانستان

عصف خود را در چارچوب باید نوازشی

خالص اسلامی متحد سازند و بفرزند

اشغالگران شرقی را ادامه دهند و از

اختلافات گروهی و قومی بپرهیزند.

«آیت الله العظمی منتظری»



پیش به سوی استقرار جمهوری اسلامی در افغانستان



سابقہ

سازمان بصرفہ امانت



بنیاد سہ ماہی سالگرد اشغال

نظامی افغانستان

۱۳۶۶/۱۰/۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانیه سازمان نصر افغانستان بمناسبت هشتمین سالگرد اشغال نظامی

افغانستان

اِنَّ لِلَّذِیْنَ یَقَاتِلُوْنَ بِاَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَّ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِیْرٌ (قرآن کریم)

هشت سال کامل از اشغال وحشیانه، نظامی افغانستان توسط روسها و نه سال و اندی از کودتای کمونیستها و رویکار آمدن باند خلق و پرچم در افغانستان، سپری شد و اکنون که نزدیک به یک دهه از آغاز قیام مسلحانه و جنبش رهاشبخش اسلامی افغانستان می گذرد برای مطالعه و محاسبه و ارزیابی و عبرت آموزی کتاب قطبوری، پیشاروی خود داریم، صفحات این کتاب که بتعداد روزها و بل ساعتهای ده سال شمارش میشود، مشحون است از پرونده، سیاه نابکار ترین و پلید ترین مخلوقات روی زمین یعنی روس های وحشی و اشغالگر و فاجعه ها و جنایتها و وحشی گری های آنان و همچنین مشحون است از بزرگترین حماسه های تاریخ و رشادتهای کم نظیری که توسط مظلومترین مسلمان، مستضعف ترین و صالح ترین بندگان خدا به نمایش گذاشته شده است .

حدیث جهاد و هشت سال نبرد پایا و بی وقفه مردم ما بر ضد اشغالگران کافر و ملحد روسی عمیق تر و بلند تر از آن است که در یک بیانیه بگنجد، در این جا تنها به اشارات گذرا راجع به اهداف و آرمانهای مقدس انقلاب و مواضع خود در قبال حوادث و رخداد های افغانستان و جهان اسلام اکتفا می کنیم :

۱- در پیدایش و گسترش و پوییش و پیروزی هر انقلابی، "ایدئولوژی، رهبری و مردم" عناصر و پایه های اصلی را تشکیل می دهد اما در میان این سه عنصر، "ایدئولوژی" رکن عمده بوده و نقش بنیادی را ایفا می کند چرا که در پرتو ایدئولوژی است که مردم، ایمان و احساس و تحرک پیدا می نمایند و ایدئولوژی است که هدف و استراتژی را تعیین می کند و بکادر رهبری نیز هدایت و رهنمود می دهد و در غیاب و فقدان آن هم شعله خشم مقدس و احساسات مردم خاموش می شود و هم مقام رهبری دچار سردرگمی و تزلزل و نابودی می گردد. در انقلاب مقدس و رهائی بخش مردم مسلمان ما، ایدئولوژی راهنما و هدایتگر و حرکت بخش، "اسلام" است و آئین توحید و یکتا پرستی که ریشه در فطرت انسان دارد و سابقه عمیق و طولانی در تاریخ بشریت، و همین ایدئولوژی است که مارکسیزم را در افغانستان و دیگر کشور های اسلامی به سبب و ابتداء کشانده و ارتش سرخ روسیه و سردمداران کرملین را به شکست و زبونی و هزیمت جبران ناپذیر! ما معتقدیم هر کسی و هر جریانی که در افغانستان به این ایدئولوژی ایمان و اعتقاد ندارد، هیچگونه جایگاه و پایگاهی در انقلاب نیز ندارد و هر کسی که به این ایدئولوژی خیانت کند و آنرا به انحراف بکشاند در واقع به مردم نیز خیانت کرده و انقلاب را هم به انحراف کشانده است.

۲- روی همین جهت، جنگ مردم ما یک جنگ مکتبی است یعنی جنگ تحمیلی کفر و الحاد روسی است بر ضد اسلام و آئین توحید و مسلمانان موحد. و چون ایدئولوژی انقلاب ما "اسلام" است پس مهمترین هدف انقلاب و عمده ترین خواست مسردم، برقراری حکومت عدل اسلامی و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در افغانستان است، ما با سقوط رژیم کمونیستی، جز به حکومت اسلامی به هیچ نوع حکومت و نظام غربی و یا

شرقی دیگر تن نخواهیم داد . روسهای اشغالگر و کمونیستهای توطئه گر باید بدانند که هر چند فرم و شکل و قالب را هم عوض کنند ولی مادامیکه محتوا و ماهیت، غیر اسلامی یا ضد اسلامی باشد، مبارزه بی‌امان ملت ما نیز ادامه خواهد یافت .

۳- آزادی و استقلال بمعنای نه شرقی و نه غربی آن از اهداف استراتژیک و خلل

ناپذیر در انقلاب اسلامی افغانستان است، ما می‌خواهیم استقلال کشور را در ابعاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی آن تامین نمائیم و هرگز نفی شرق و مبارزه با امپریالیزم مهاجم روس بمعنای قبول غرب و سازش و نرمش با امپریالیزم امریکانیست، ما این هر دو را دشمن اسلام و مسلمین و محرومین می‌دانیم و استقلال واقعی نیز در تنها در مستقل بودن از هر دو بلوک و مبارزه با هر دو اردوی کاپیتالیزم و کمونیزم، تامین می‌شود و لذا این توطئه شوم دشمن و در واقع یک بهانه جوئی است از سوی روس ها که تهاجم و اشغالگری خود را با ادعای دروغین حضور و مداخله امپریالیزم امریکا در افغانستان توجیه می‌نماید و با همین توجیه سربازان خود را به افغانستان گسیل داشته است البته نمی‌گوئیم که امریکا در صدد نفوذ و تخریب در صفوف جنبش ما نیست، امریکای جهان‌خوار، سالهای سال از افغانستان بعنوان یک منطقه حائل استراتژیک استفاده نموده و اکنون نیز در همین تلاش است ولی امریکا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحمل ضربه های جبران ناپذیر از طرف مسلمانان به اصطلاح بنیادگرا در لبنان و مصر و فلسطین و خلیج، بیش از روسیه، از اسلام و انقلاب اسلامی وحشت دارد و لذا به هیچ وجه راضی به پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان و حاکمیت اسلام در آن کشور نیست و اگر هم تلاش‌هایش دارد برای تربیت مزدوران مربوط بخودش است یعنی کسانی که هیچ ربطی و نقشی در جنگ و جهاد مردم ما ندارند .

۴ - اشغال نظامی افغانستان، تجاوز صریح به کیان اسلام و استقلال کشور اسلامی افغانستان و نقض آشکار همه مقررات و اصول بین المللی است، روس پلیید با این عمل وقیح و ضد انسانی در طول این هشت سال، بیش از یک میلیون انسان را شهید و نزدیک به پنج میلیون انسان را آواره و دهها هزار را زندانی و مفقودا لایر ساخته و صد ها شهر و روستا و منطقه مسکونی را تخریب و ویران نموده است، سلاحهای شیمائی و انواع سلاحهای کشنده دیگری که در عرف بین المللی تحریم شده در افغانستان بکار برده شده است. روسها در واقع از افغانستان لایراتواری ساختند برای آزمایش و میزان کار برد سلاحهای تخریبی و کشنده خود و به این ترتیب مزارع و باغها و مراکز اقتصادی مردم را طعمه حریق نمودند و از سوی دیگر همه منابع طبیعی و زیر زمینی و رو زمینی افغانستان را در این مدت به یثما بردند. بدین جهت ضمن تقبیح اعمال وحشیانه ضد انسانی روسها در افغانستان از همه ملل آزاده و مؤسسات جهانی می خواهیم با تقبیح و محکوم کردن روس اشغالگر، ملت مظلوم و بی دفاع ما را یساری کنند.

بنیاد اندیشه

۵ - رژیم جاکم در کابل یک رژیم کمونیستی مزدور و وابسته و دست نشانده و بی اراده است که با کودتای روسی، رویکار آمده و تا کنون این همه فجایع وحشتناک را با کمک ارتش سرخ در افغانستان مرتکب شده و از خود هیچگونه اختیار و اراده ای ندارد و بیگانه و اجنبی از عنعنات و اخلاق و فرهنگ جامعه مسلمان ما محسوب می شود و به همین جهت از آغاز رویکار آمدن در ۷ ثور ۱۳۵۷ تا کنون علیرغم همه تحولات و دگرگونیها و کودتا ها و تغییرات پی در پی در ارکان رژیم، هنوز کوچکترین موفقیتی نداشته و هم اکنون گرفتار شدیدترین بحرانهای داخلی است، تضاد خلق و پرچم،

تضاد دو باند ببرك و نجیب، تضاد های نژادی و قومی و زبانی، بملاوه شكست های فاحش نظامی و تجرید سیاسی و فرهنگی از جامعه و موفق نبودن در اجرای طرحهای روسها، رژیم را فرسوده و مضمحل و منهزم ساخته است که حوادث یکسال اخیر پس از رویکار آمدن نجیب و تلاشهای نافرجام او شاهد این مدعا است و نجیب اکنون ذلیلانه تر از اسلافش به مزدوری و وابستگی خود به روسیه تاکید دارد او در سخنان خود که در هفتادمین سالگرد انقلاب روسیه از تلویزیون مسکو پخش شد گفت: "برادران و خواهران شوروی! کمک و پشتیبانی شما، همبستگی انقلابی شما در مبارزه بخاطر افغانستان مستقل غیر منسلک دارای تمامیت ارضی ما را پر و بال و نیرو میبخشد! کمکهای شما یعنی قهرمانیهای جاویدان سربازان انترناسیونالیست شما در سرزمین افغانستان می باشد، مردم ما برای قونها، سپاسگذاری عمیق خود را در برابر سرباز شوروی که هزاران کودک، زنان و پیرمردان را از مرگ خونین و خود کشور را از نابودی حتمی نجات داده اند حفظ خواهند کرد!"

نجیب گاو که عمری را در جاسوسی برای کی جی بی سپری کرده با استفاده از ترفند ها و شگرد های شیطانی خود سعی می کند برای خود آبرو و موقعیت و برای ارتش سرخ بهانه و توجیهی پیدا کند اما زهی بیشرمی که برای کشتار ها و جنایت های ارتش سرخ، عنوان "قهرمانیهای جاویدان سربازان انترناسیونالیست" لقب دهد و تجاوزات روسیه را، "کمک و پشتیبانی و همبستگی برای استقلال و عدم تعهد افغانستان و تمامیت ارضی آن" نام بگذارد!

۶ - رژیم کمونیست کابل بخاطر عدم موفقیت در کسب موقعیت و پایگاه مردمی، اخیراً علاوه اعلام مصالحه ملی و آتش بس به اصطلاح یکطرفه، دست به تلاشهای دیگری نیز

زد و از آن جمله تشکیل "لویه جرگه" و "تدوین قانون اساسی"، "اسلام را دین رسمی دانستن"، انتخابات و انتخاب نجیب بحیث رئیس جمهور و تغییر نام افغانستان از "جمهوری دموکراتیک" به "جمهوری افغانستان" و غیره بود. همه این تلاشها، هیچ گونه تغییر و تحول اساسی و بنیادی در رژیم را در بر ندارد و تنها تاکتیک عوض کردن و نقاب دیگر بر چهره کردن است و کمترین تاثیری در روند تکاملی خیزش سرتاسری و نبرد مسلحانه، مردم مسلمان ما نخواهد داشت. ملت ما می داند که رژیم کابل کیست؟ و چه کرده؟ و چه میخواهد؟ و در برابر آن چه باید کرد؟.

۷- "جهاد مسلحانه" که از آغاز قیام مردم، بحیث بهترین اسلوب و راه بسرای مبارزه بر ضد رژیم کابل انتخاب شده بود، در مرور زمان و با شدت یافتن توطئه های بین المللی بر ضد انقلاب ما، به یک "استراتژی" تبدیل گردید، روسها از سال های اول مقاومت طرح "راه حل سیاسی" را پیش کشیدند و مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم را مطرح کردند و همچنین برخی از کشورها و دولتهای اسلامی و غیر اسلامی، راه حل های سیاسی گوناگونی را پیشنهاد نمودند و مذاکرات "ژنو" نیز با وساطت سازمان ملل شروع بکار کرد که تا کنون ده بار در ژنو برگزار شده است و از طرف دیگر ملت ما میدانست که نه روسیه واقعا طرفدار حل سیاسی اصولی مسئله افغانستان است و نه راه حل سیاسی به نفع مردم زجر کشیده و بلادیده افغانستان است و بدین جهت به این نتیجه رسیدیم که در واقع دشمن میخواهد هم ما را و هم افکار جهانی را از اصل مسئله به انحراف بکشاند و خود تجدید قوا نماید و لذا مبارزه، مسلحانه خود برای ما یک استراتژی است تا رسیدن به هدف یعنی اخراج نیروهای اشغالگر روس و برقراری حکومت اسلامی در افغانستان و بر این اساس، مذاکرات ژنو که قرار است دور بعدی آن

در سال نو مسیحی برگزار شود و هر نوع مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم دیگر، از نظر ملت افغانستان مردود و محکوم بوده و هیچگونه اعتباری و تاثیری نخواهد داشت.

۸ - ما معتقدیم امپریالیزم اشغالگر روس در افغانستان شکست فاحشی خورده است و با اعتراض و تنفر و خشم جهانیان مواجه شده و علیرغم این همه تبلیغات در سراسر جهان، در اجلاس امسال مجمع عمومی سازمان ملل، آراء مخالف روسیه از سالهای قبل زیاد تر گردید. شکست روسیه ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی دارد چه در ساحه داخل افغانستان و چه در منطقه و جهان و چه در داخل خود روسیه که اعترافات و اظهارات اخیر روسها و مطبوعات و رسانه های مسکو شاهد این مدعاست، و همین شکست ها است که روسیه را در مواضعش کمی، انعطاف پذیر ساخته است یعنی این انعطاف پذیری بخاطر رویکار آمدن گرباچف و خط مشی سیاسی جدید او نیست، استراتژی روسیه در قبال افغانستان و بل منطقه تغییری نیافته است و این زور بازوی سبتر مجاهدین و قدرت ایمان ملت مسلمان افغانستان است که چاره را بر آنها مسدود ساخته و مجبورشان نموده که به شکست و هزیمت خود اعتراف نمایند ولی باز هم این "شکست" و این "اعتراف" هرگز بدان معنی نیست که روسیه خود تصمیم بر خارج شدن گرفته باشد، هر چند خواه ناخواه روزی بیرون خواهد شد ولی نه بخاطر اعتراف به شکست و با راه حل سیاسی. تنها راه، راه تشدید مبارزه مسلحانه است روسیه که اکنون وعده های هم داده که تا یک سال دیگر خارج می شود اگر بفهمد که مبارزه مسلحانه کاهش یافته و مجاهدین دست از سلاح کشیده و به مذاکره و راه حل سیاسی رو آورده اند، هرگز بیرون نخواهد شد. بنا بر این ما معتقدیم روسیه به این آسانی ها نیروهای خود را از افغانستان خارج نمی کند جز آن سوییچیکه بفهمد

منافعش تامین شده و پس از خارج شدن باز هم پایگاه و موقعیتش در افغانستان محفوظ می ماند و یا آن موقعی که مبارزه، مسلحانه شدت بیشتر یافته و روسها مجبور به فرار شوند.

۹ - ظاهر خان یکی از مهره های است که استکبار شرق و غرب روی او تکیه می کنند و اگر او در افغانستان رویکار بیاید که بعید هم نیست، هم منافع امریکا را تامین خواهد کرد و هم پوششی خواهد شد برای ادامه سیاست سلطه طلبانه روسها و حفظ حیات کمونیستهای خلق و پرچم و بل حفظ قدرت و حاکمیت آنها در نقاب يك حکومت ائتلافی یا ملی و لذا است که هر چند مدت یکبار اسم او در رسانه های خبری مطرح می شود و حتی نجیب رسما از او دعوت می کند که در افغانستان آمده و در قدرت سهم بگیرد. این در حالی است که ملت مسلمان، ظاهر خان را با سابقه و لاحقه اش بخوبی می شناسد و می داند که او خود در پیدایش وضعیت امروزی سهم عمده را داشته و مزدور شرق و غرب بوده است به اضافه اینکه هدف ملت مسلمان ما برقراری يك حکومت واقعا اسلامی و قرآنی در افغانستان است و ظاهر شاه کسی است که خود بر ضد اسلام و مبارزین مسلمان عمل می کرد، عناصر اسلامی را زندانی می نمود و به شهادت می رسانید اما به کمونیستها آزادی تمام برای خیانت و جنایت داده بود. ملت مسلمان ما هرگز اجازه نخواهد داد خون بیش از يك میلیون شهید پایمال شده و دوباره رژیم ظاهر خانی و یا هر رژیم دیگری مثل او رویکار آید.

۱۰ - ما خواستار خارج شدن بی قید و شرط اشغالگران روسی از افغانستان بوده و از آنها خواستار پرداخت غرامات و خسارات جنگی می باشیم، روسها نه تنها باید از افغانستان بیرون شوند که خسارات اینهمه ویرانی و خرابی و آوارگی و خونهای سه

ناحق ریخته شده را نیز باید بپردازد.

۱۱ - در هنگام خارج شدن قوای اشغالگر و یا پس از آن، جایگزینی هیچ قوه اجنبی دیگر در افغانستان لازم نیست، مجاهدین مسلمان خود امنیت و اداره کشور را بعهده گرفته و نیازی به نیروهای بیگانه از هر کشور و سازمانی که باشد ندارند و لذا اینگونه طرحها نیز از نظر ما مردود و محکوم است.

۱۲ - ما هیچگونه حکومت ائتلافی با کمونیستها و مخالفین و دشمنان اسلام چه پیش از خارج شدن نیروهای اشغالگر و یا پس از آن نخواهیم داشت چرا که هدف مردم مسلمان ما در این قیام تاریخی، تنها سهم گیری در قدرت و شرکت در پست و مقام نیست، مردم ما بدین جهت قیام نکردند که کمونیستها به تنهایی قدرت را در دست گرفته و به دیگران سهمی نداده اند. ما کمونیستها را دشمن اسلام و خائن به وطن و مردم می دانیم و هیچگونه ائتلاف و اشتراك با آنها را نمی توانیم بپذیریم.

۱۳ - طرح اصولی متناسب با واقعیتهای جامعه انقلابی ما آنستکه در آینده باید يك "شورای انقلاب" معتقد به تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان و متعهد به استقلال سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی کشور و معتقد به وحدت امت اسلامی، مرکب از احزاب مبارز شیعه و سنی تشکیل شود تا از اسلام شناسان و حقوقدانان اصیل کشور دعوت نماید تا قانون اساسی آینده را تدوین کند و این قانون اساسی که قطعا حاوی حقوق تمام مذاهب و ملیت ها و احزاب سیاسی کشور خواهد بود را در معرض آراء و افکار عمومی ملت مسلمان افغانستان قرار دهد و سپس بر اساس قانون اساسی منتخب مردم، دولت اسلامی افغانستان را تشکیل دهد و تا آن زمان بمنظور حفظ و حراست مرزهای کشور و تامین امنیت داخلی، نیروی منسجم نظامی و انتظامی تشکیل داده و فریب

خوردگان را عموماً عفو نموده و خائنین و مجرمین اصلی را محاکمه نماید .

۱۴ - وحدت همه اقدار مردم و همه احزاب و سازمانهای مسلمان و مبارز شیعه و سنی، ضرورت حیاتی در انقلاب اسلامی افغانستان است و به همین جهت هر تسبیح اختلاف و درگیری فرعی و داخلی، خیانت به انقلاب و خدمت به دشمن است، باید مردم ما با هوشیاری و بیداری کامل توطئه های دشمن را درک نموده و با شناسائی و طرد عوامل مزدور و تفرقه انداز دشمن، صفوف خود را فشرده تر سازند، گر چه که منظور ما از "وحدت" هیچگاه حذف و طرد بعضی و یا انحلال گروههای سیاسی و مبارز نخواهد بود آنگونه که برخی از "وحدت" چماقی ساخته اند برای کوبیدن عدهای و طرد و حذف عده دیگر! منظور از وحدت آن نوع انسجام و هماهنگی است که در مسائل کلی انقلاب، مواضع واحد اتخاذ شود و در عین حال در صحنه کار برای همه زمینه آزاد فعالیت داده شود و از خود محورهای و قدرت طلبی ها و شخصیت و شخص پرستی ها جلوگیری بعمل آید.



۱۵ - به همین جهت از ائتلاف هشت گروه که گامی است آغازین برای اتحاد و هماهنگی، پشتیبانی و حمایت کامل خویش را اعلام می داریم ولی معتقدیم که نباید به این مقدار اکتفا شود، باید صفوف جهاد، متحدتر و متشکل تر گردد و گروههای اعضای ائتلاف با صداقت و صراحت و بدور از بناید بازی و جناح سازی، بسوی اهداف اصلی ائتلاف پیش بروند و از درگیری ها و جنگد افروزیها جلوگیری نمایند، در حالیکه مدت زیادی از عمر ائتلاف می گذرد ولی هنوز کار بایسته و شایسته یک ائتلاف صورت نگرفته است با اینکه مردم مسلمان بیش از این انتظار دارند. ما از مسئولین شورای ائتلاف

اسلامی می‌خواهیم که جدی‌تر حرکت کنند و به انتظارات مردم در داخل و خارج کشور پاسخ مثبت دهند و فرصتهای بزرگ را از دست ندهند. بعنوان مثال می‌توان وضعیت فرهنگی مردم را در داخل کشور و مهاجرین را در خارج کشور، مورد توجه قرار داد. شورای ائتلاف این توان را دارد که در میان مهاجرین برنامه‌های وسیع تبلیغاتی را فعال کند و از روحانیت معظم و علماء و طلاب، کمک بخواند و نیروهای فکری و فرهنگی جامعه را متشکل و منسجم کرده بکار اندازد و حد اقل در هر هفته یک نشریه وزین و جامع را بچاپ و نشر بسپارد و از همه علماء، اندیشمندان، ورش‌فکران و نویسندگان هموطن برای تحقیق و بررسی مسائل فرهنگی و فکری مورد نیاز، دعوت نماید و زمینه کار آنها را فراهم نماید و حد اقل در موضوعات مختلف سمینار و کنفرانس دایر کند و از هموطنان نظر بخواند. اما چرا این کار نشده و نمی‌شود؟ امید است که شورای ائتلاف به مسائل مورد نیاز جامعه بیش از پیش پرداخت و توجه نماید.

۱۶ - وضعیت مهاجرین ما در این برهه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دشمن پلید چه از طریق بنگاههای تبلیغاتی خود و چه از طریق عوامل جاسوس و مزدور خود سعی می‌ورزد، اذهان مهاجرین را مغشوش و آلوده گرداند، آنانرا نسبت به آینده انقلاب، مایوس نماید و یا نسبت به گروهها و احزاب بد بین گرداند و یا به فساد و آلودگی اخلاقی و فکری بکشانند مخصوصا با توجه به اینکه محیط هجرت و غربت و دوری از وطن و فشارهای روحی و تحقیرها و توهینها خود زمینه، هرگونه انحسار سیاسی یا فکری و اخلاقی را فراهم می‌سازد و چه بسا تعداد زیادی از مهاجرین، سرزمین و وطن خویش را فراموش کرده و به "رفاه زندگی" و تلاش برای زندگی شخصی

کشانده شود و لذا از مهاجرین عزیز می‌خواهیم که رسالت و موقعیت خود را به حیث مهاجر آواره از وطن اشغال شده، درک نمایند و بدانند مادامیکه وطن شان در اشغال بیگانه است، هیچ احترام و عزت و آبرویی ندارند و بدانند که دشمن سخت در تلاش است که با ترفند های مختلف و گوناگون آنانرا از مسیر انقلاب منحرف گرداند و باید هوشیار باشند که عوامل دشمن شب و روز بین آنان مشغول توطئه می‌باشند و از راه های مختلف بر ضد انقلاب و انقلابیون مسلمان عمل می‌کنند .

۱۷ - ما از مواضع قاطع و اسلامی و انسانی جمهوری اسلامی ایران در قبال انقلاب اسلامی افغانستان تشکر و قدر دانی می‌نمائیم و از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که با اتخاذ مواضع مکتبی و انقلابی و بدون کمترین انعطاف در برابر روسیه و عوامل آن، از آرمان برحق ملت مسلمان ما دفاع نموده و در ساحة های سیاسی و تبلیغاتی و فرهنگی ما را یاری نمایند و همچنین از مسئولین ذی ربط جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که نسبت به وضعیت مهاجرین افغانستانی و حل مشکلات گوناگون آنان عطف توجه بیشتر نمایند و در این رابطه تسهیلاتی را در نظر بگیرند .

۱۸ - بهمه ملت‌ها و دولتهای اسلامی هشدار می‌دهیم که قریب تبلیغات رنگارنگ روسیه را نخورند و اهمیت افغانستان و ارزش و عظمت نبرد رهائیبخش مردم مسلمان را درک کنند و بدانند که کوچکترین تساهل و مسامحه در این رابطه، "فلسطین" دیگری را بوجود خواهد آورد و افغانستان همچون "جمهوریهای مسلمان نشین ترکستان" در کام روسها سقوط خواهد کرد. وظیفه همه کشور های اسلامی است که از انقلاب مسلمانان پشتیبانی نموده و اعمال وحشیانه روسها را محکوم و تقبیح نمایند.

۱۹ - ما از انقلاب بین المللی اسلامی و از همه جنبشهای رهائیبخش اسلامی در

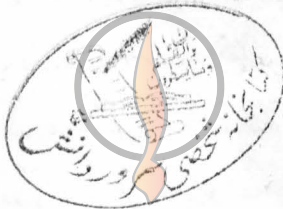
سراسر جهان حمایت و پشتیبانی کامل خویش را اعلام داشته و معتقدیم که همه جنبش های اسلامی باید با همبستگی کامل در سایه رهبری صالح اسلامی، با رژیم های استعماری و ضد اسلامی مبارزه کنند و زمینه تشکیل امت واحده اسلامی را فراهم نمایند و بر ضد افکار پوچ ناسیونالیستی و نژادی و منطقه ای و جغرافیائی و فرهنگ های شرقی و غربی و غیر اسلامی مبارزه کنند و امت اسلامی را بیدار نمایند .

۲۰ - مردم مسلمان فلسطین که هم اکنون پس از سالها فشار و آوارگی و محرومیت، درمان دردش را تازه کشف نموده با صفوف فشرده و منجم بر ضد رژیم غاصب صهیونیستی قیام کرده است بدون اینکه کمترین توقع و چشمداشتی از شرق و غرب و کنفرانسهای بین المللی و یا دولتهای عربی و حتی سازمان های عرفات و حبش و غیره داشته باشد چون بخوبی درک کرده اند که با افکار استعماری نمیتوان بر ضد استعمار مبارزه نمود، تنها راه، بازگشت به اسلام راستین و قیام متحد و یکپارچه مردمی است. ما از قیام یکپارچه، اخیر مردم مسلمان فلسطین در داخل سرزمین های اشغالی، حمایت و پشتیبانی کامل خود را اعلام میداریم چون میدانیم که ملت فلسطین نیز قربانی توطئه شرق و غرب شده، هم عربها بر آنها ستم کرده اند و هم روسیه جنایتکار که خود را به اصطلاح مدافع و طرفدار محرومین و فلسطینی ها می داند هماره به آرمان فلسطین خیانت کرده و تنها از آن در جهت مطامع استعماری خود استفاده کرده است. باید مردم فلسطین بدانند که نه روسیه و نه سازمانهای کمونیست و چپگرای فلسطین طرفدار روسیه، و نه عربهای ناسیونالیست، هیچکدام نمیتواند فلسطین را

آزاد کند، تنها نیروی رهائیبخش، اسلام است و حرکت به سمت انقلاب شکوهمند
اسلامی.

پیروز باد انقلاب اسلامی در سراسر جهان بر رهبری امام خمینی
پیروز باد انقلاب اسلامی رهائیبخشش افغانستان
در اهتزاز باد رایت خونین قیام مستضعفین جهان
مرگدیر امپریالیزم جهانی بسرکردگی روسیه، آمریکا و چین
مرگدیر باند منفور خلق و پرچم و مزدوران بیگانه

سازمان نصر افغانستان (۱۳۶۶/۱۰/۶)



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴



به پیش به سوی استقرار جمهوری اسلامی در افغانستان!



مباحثه

حُجَّتِ الاسلام والمسلمین

محمّدناظمی

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲

تکثیر از بولتن خبری سازمان نصر افغانستان

دوشنبه ۱۳ میزان (مهر) ۱۳۶۶ مطابق با

۱۱ صفر ۱۴۰۸ و ۵ اکتوبر ۱۹۸۷

آدرس: تهران - منطقه پستی ۱۳ - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۱۵۵

بسمه تعالی

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین آقای ناطقی

س ۱ : - جناب آقای ناطقی خواهشمندیم بفرمائید از سفر مسئولین بلند پایه سازمان نصر در داخل کشور چه بوده و درین مدت که شما درجبهات قرار داشتید تاجه حد در اهداف تان جامه عمل پوشانیدید ؟

ج ۱ : - بسم الله الرحمن الرحيم . تعداد از مسئولین بزرگ سازمان از جمله آقای مزاری و آقای عرفانی و اینجانب هم در خدمت برادران بودیم و يك سفر بسیار طولانی را که از ولایت هرات شروع نموده در ولایت بادغیس و از ولایت بادغیس به ولایت جفجران و همانطور رفتیم ولایت ارزگان که در مسیر راه خیلی مشکلات و مشقات توانفرسایی را برادران متحمل شدند و بدینخواهد بود که کمی درین مورد توضیح بدهم :

وقتی ما در ولایت بادغیس رسیدیم دولت مزدور اطلاع حاصل نموده بودند که ما در آنجا رسیده ایم و منطقه کشک را مورد شدیدترین بمباران هوایی قرار دادند که خوشبختانه قافله ما از محل بمباران دو ساعت راه فاصله داشت و باز هم در ساعت (۸) صبح منطقه کشک دوباره مورد بمباران هوایی قرار گرفت که ما ساعت ده صبح از آن منطقه عبور نمودیم و بعدها اطلاع حاصل نمودیم که هدف از بمبارانهای منطقه مذکور قافله ما بوده و باز هم در منطقه ابشاره در حدود (۱۳۰) عراده تانک و زرهپوش و موتر مارا مسورد شدیدترین حمله وحشیانه قرار دادند و در دره ای که ما مستقر شده بودیم آتشباری را شروع نمودند بطوری که تمام درخت ها و علف های همان دره را آتش گرفته بود که يك وضعیت بسیار وحشتناکی در آنجا بوجود آمده بود و کسانی که دورتر از محل مذکور بودند تصور می کردند که حتی يك نفره شاید در آن زنده نمانده باش لیك نفر از

برادران در آن حادثه شهید و هفت تن دیگر مجروح شدند. فردای آنروز که خودمان در ابشاره رفته بودیم هنوز دیگر وسائل از قبیل کتاب و نوار و الاغ و قاطر که وسائل فرهنگی ما را حمل می نمود انتقال نداده بودیم که ۲ فروند هلی کوپتر روسی آمد بالای همان دره و یکی از آنها نشست و دو فروند دیگر از هوا مراقبت میکردند که تمام وسائل کتاب و نوار و ۰۰۰ ما را به آتش کشیدند و حتی چند تا قاطر که جهت حمل وسائل داشتیم آنها را هم به رگبار بسته بودند و از بین برده بودند.

خلاصه بعد از مدت یکماه (سی روز) راهپیمائی، مادر ولایت ارزگان رسیدیم و مدتی درین ولایت بودیم و مشکلات عمده هم درین ولایت بود و اهداف ما هم همانظوری که شما در سؤال مطرح فرمودید از رفتن در آنجا دو موضوع را در نظر داشتیم که عبارتند از:

۱- موضوع اول مسئله اتحاد بین گروههای امیل اسلامی، خصوصا "روی مسئله اتحاد سازمان نصر افغانستان با پاسداران جهاد اسلامی افغانستان که توجه بسیار روی ایمن مسئله داشتیم. البته با گروههای اسلامی هم خط وهم فکر دیگر هم روی مسئله اتحاد جلسات و نشست هائی داشتیم و صحبت نمودیم.

لازم بباد آوری است که قبل از رفتن ما بداخل از طرف مسئولین پاسداران جهاد برای ما در خارج مکتوب آمده بود و روی مسئله اتحاد در داخل کشور تا عکید زیاد شده بود و باد آورده بودند که زمینه بوجود آمدن اتحاد بسیار مساعد میباشد که مکتوب مذکور فعلا "نزد جناب حاج آقای مزاری میباشد. ما هم بدان جهت خیلی امیدوار بودیم و راستی هم وقتی مادر ولایت ارزگان مستقر شدیم و در تمام بخشها و حوزه و جبهات برای مسئولین سازمان نصر و پاسداران جهاد وهم چنین به مسئولین گروههای دیگر که جبهه نظامی در آن مناطق دارند مکتوب فرستادیم و جواب مکتوب های ما ارسال داشتند و از پیشنهاد ما که در رابطه به مسئله اتحاد بود خیلی استقبال و اعلام آمده گی نمودند و

بعد مسئولین جبهات خودشان حضور یافتند و هر کدام از این مسئله اظهار رضایت و اعلام همکاری نمودند و همه اظهار داشتند که ماهم از خدا می خواستیم تا چنین هماهنگی و همسوئی و اتحاد بوجود آید . اما متأسفانه فقط از طرف آقای صادقی نیلی از ارزگان جواب نیامد و بعداً " که من خودم بعنوان هیئت صلح از طرف شهرستان در آنجا رفته بودم و در رابطه با ارسال مکتوب و مسئله اتحاد صحبت نمودیم و ایشان مکتوب را از جیب خود کشید و اظهار نمود که آری مکتوب شما برای ما رسید . و پرداخت به بعضی حسرات های غیر منطقی و بهانه جوئی و اشکال تراشی . خلاصه صحبت ها چندان مؤثر واقع نشد . باز هم با ایشان وعده گذاشتیم و اظهار نمودیم که مدت هشت الی نه ماه است که ما در پنجاب بسر می بریم فقط بخاطر همین مسئله اتحاد و هماهنگی با گروه های هم فکر بود و حال هم در مرکز و لسهوالی پنجاب جناب حاج آقای شفق ، جناب حاج آقای صادقی ترکمن ، جناب حاج آقای عرفانی و جناب حاج آقای مزاری و بنده و دیگر مسئولین سازمان نصر و نیز جناب حاج آقای اکبری از پاسداران جهاد و همچنین نماینده های تمام بخش ها و ولایات در آنجا آمده و برای همین موضوع اتحاد در آنجا جمع شده اند و همه منتظر هستند .

در خلال هشت الی ده ماه از طرف مسئولین ده (۱۰) هیئت به ارزگان فرستاده شد و بتاريخ ۱۵ قوس ۱۳۶۵ جلسه ای در نظر گرفته شد و بناء بود که آقای صادقی نیلی تشریف بیاورند که متأسفانه حاضر نشد . و سیزده - چهارده ولایت دیگر درین مورد توافق داشتند و تمام مسئولین نهایت سعی و تلاش شان را نمودند که درینجا باید از تمامی آنها اظهار تقدیر و سپاسگزاری را نمایم .

۲ - موضوع دوم ، همانگونه که سؤال نمودید رسیدگی به مسائل خود سازمان بود کسسه در نظر داشتیم نیروهای سازمان را در داخل افغانستان منظم نمائیم و سازمان دهی کنیم

و يك برنامه ریزی در رابطه با انتقال برادران جبهات خط مقدم بانیزوهای پشت سنگر (جبهاتی که درگیری مستقیم باروسها ندارند) مثلاً "برادران ارزگان را انتقال دهیم در ولایت غزنی و هم چنین در شهرستان، ارزگان، چغچران تا آنها هم روبه—رو مستقیم درگیر باروسها شوند که الحمد للّٰه درین قسمت کاملاً" موفق هم بودیم.

مثلاً "در ولایت بامیان يك قرارگاه بزرگدینام قرارگاه "والفجر" تشکیل دادیم که از نظر موقعیت نظامی هم خوب هست و هروقت برادران بالای پسته و قرارگاه های نیروهای مشترک روسی و دولت مزدور عملیات هائی انجام میدهند و ضربات خوردکننده و کاری به آنها وارد می آورند.

اما وقتی رفتیم در بغلان که از جمله جبهات خط مقدم بحساب می آید و همیشه درگیری مستقیم باروسها و نیروهای دولت مزدور دارند با همکاری دیگر گروهها جاده مزار شریف - کابل را می گیرند و ضربه های محکم به روسها وارد می آورند که روسها و مزدوران شان روی منطقه مذکور خیلی حساس شده اند و مسئول آنجا که جناب حاج آقای شیخ دولت میباشد، روسها و نیروهای دولتی ایشان را بعنوان فرد سرشناس و خطرناک می شناسند.

همچنین در ولایات میدان غزنی و میدان هم بایک پلان گزاری و برنامه ریزی دقیق برادران جبهات پشت سنگر و خط مقدم را منتقل نمودیم که هدف ما از این برنامه ریزی ها، هماهنگی و انسجام و وارد آوردن بیشتر ضربات خوردکننده در ساحه نظامی بر روسهای وحشی و دولت مزدور بود و در ساحه های دیگر نیز طرح و برنامه ریزی هائی داشتیم مثلاً "در رابطه با مسائل فرهنگی - تبلیغاتی و سیاسی برنامه ریزی نمودیم که بحمد اللّٰه درین مورد ۹۸ درصد موفق بودیم و نتیجه مثبت هم بدست آوردیم.

س ۲: - همانطوری که اشاره نمودید در مسئله طرح تشکیلات، خواهش می کنم

بفرمائید که چه باعث شد دست به تشکیلات بزنید ؟

ج ۲ : - تشکیلات ما يك تشکیلات جدید گفته نمی شود . تشکیلات همان تشکیلات سازمان هست ، شورای مرکزی همان شورای مرکزی هست ، تشکیلات سازمان همان تشکیلات هست . ولی آنچه که در داخل احساس میشد وگلا " مسئولین سازمان برایین عقیده شدند که باید رهبران و مسئولین بزرگ سازمان در داخل افغانستان ، کارکنند و در متن جبهه ها حضور داشته باشند و فعلا " هم نصف اعضا شورای مرکزی سازمان در داخل کشور فعالیت می کنند و نصف دیگر در خارج از کشور . و این مسئله را ما یکی از امتیازات سازمان بحساب می آوریم . نه مانند دیگر جریان ها که اکثرا " لیبران آنها فقط در خارج فعالیت می کنند و در اکثر جنبش های آزادی بخش این مسئله بوده که لیبران بیرون از صحنه و در پشت صحنه بوده اند و اما در سازمان نصر ما این مسئله را کاملا " رد می کنیم و قبول نداریم .

مسئله دیگر را که در رابطه با کارهای سازمان انجام دادیم اینکه يك کمیته اجرائی تشکیل بدهیم که از هر ولایت يك نفر نماینده حضور داشته باشند وزیر نظر شورای مرکزی عمل کند . و در همین رابطه از چهارده ولایت که سازمان حضور فعال دارد چهارده نفر نماینده خواستیم و يك کمیته اجرائی متشکل از نماینده های ولایات متذکره بوجود آوردیم که این چهارده نفر نماینده ، که همان کمیته اجرائی باشد در حقیقت تمام مشکلات و مسائل که در ولایات مربوطه خویش بوجود می آید حل و فصل نمایند و مستقل عمل کنند و همانطور مسائلی که در شورای مرکزی مصوبات و برنامه ریزی هائی که صورت می گیرد توسط همین کمیته اجرائی در تمام ولایات رسانده می شود .

۳ - موضوع سوم ، مابرای هر ولایت يك شورای ولایتی تشکیل دادیم که متشکل از شش نفر میباشد و هر کدام مسئولیتی رابعهده دارند که عبارتند از مسئول فرهنگی - مسئول

نظامی - مسئول قضائی - مسئول مالی - مسئول سیاسی • و مسئول سیاسی بعنوان رئیس شورای مذکور ایفای وظیفه می نماید و دیگران زیر نظر او عمل می کنند •

بوجود آوردن چنین تشکیلات را مسئولین سازمان در شرایط فعلی بنفع انقلاب و بخاطر نظم و انضباط و انسجام بیشتر در کارهای سازمان ضروری می دانستند •

س ۳ : - چندی قبل مصاحبه رادیوئی شما را بارادیوهای استکباری (بی بی سی و امریکا) شنیدیم و از طریق بولتن خبری سازمان هم به نشر رسید و این اولین باری بود که کادر مرکزی سازمان نصر افغانستان با این رسانه ها مصاحبه انجام داده است ، آیا این اقدام يك مانور سیاسی تبلیغاتی است یا تغییر در مواضع قبلی سازمان نصر ؟ و در ضمن يك تحلیل که رادیو بی بی سی از قول شما ارائه داد ، راجع به اینکه بعضی از سران سازمان نصر در هزاره جات خود مختاری می خواهد آیا این تحلیل مربوط به خسودشان بود یا اینکه نقل و قول از گفته های شما ؟

ج ۳ : - آن مسئله برای همه روشن هست که ما می خواهیم مواضع خود را به تمام دنیا اعلام کنیم و هدف ما از مصاحبه ای که شما متذکر شدید این بوده که ما مواضع و نظریات خود را در سطح بین المللی اعلام نمائیم و بدان منظور هم مصاحبه مطبوعاتی انجام دادیم و در مصاحبه ها موضوعاتی را که در رابطه با حوادث و رویدادهای سالهای شصت و پنچ و شصت و شش (۶۵ الی ۶۶) و مهمترین تحولات و رخ دادهای داخل و خارج افغانستان را مطرح نمودیم و توضیح دادیم و در سطح بین المللی ، برای دوست و دشمن اعلام مواضع نمودیم •

س ۴ : - درست است که شما مواضع خود را اعلام می کنید ولی درین چند سال چه را سازمان این کار را نکرد ؟

ج ۴ : - درین چند سال هم مسئولین سازمان مصاحبه ها زیاد داشته و اینطور نبوده

که ما مصاحبه نداشتیم و حالا دست پنچین کار زده باشیم . مثلاً " مصاحبه هائیکه برادر مان جناب حاج آقای مزاری باروزنامه ها داشتند يك مصاحبه اختصاصی نبود ، يك کنفرانس مطبوعاتی بود خبرنگاران خارجی هم زیاد حضور داشتند که باید از رسانه های وابسته به آنها پخش می شد . اینکه پخش نکردند مربوط به سیاست خود آنها است . و راجع به تحلیل های رادیو بی بی سی که شما فرمودید چیزهای که بمن نسبت دادند ما گفته بودیم . ما ظاهر شاه خائن را مسبب فاجعه امروزی افغانستان معرفی نمودیم و در رابطه با فعالیت و مبارزه گسترده اهل تشیع که گفتند اینها ما گفته بودیم . اما مسئله خودمختاری هزاره جات را ما نگفته بودیم . آن تحلیل و برداشتهای خودشان است ، کدام ربطی به ما ندارد .

س ۵ : - شما که از نزدیک شاهد بدبختی های ملت مظلوم افغانستان از نگاه جنگ های داخلی اخیر بودید ، خواهش می کنم بفرمائید که ریشه های اصلی اینها چه بوده و راه حل فعلی آن کدام است ؟

ج ۵ : - در رابطه با جنگ داخلی که مطرح نمودید ، بنده درسیزده - چهارده ولایت که سازمان حضور فعال دارد از اکثر آن ولایات از نزدیک دیدن نمودم . ولی آنطور که رسانه های خبری شایعه سازی می کنند و آن را بزرگ می کنند نبوده و همانطوری که قبلاً " بعرض تان رساندم فقط در ولایت ارزگان ما یکسری مشکلات داریم آنهم ریشه سیاسی و اعتقادی نداشته بلکه يك مشکل منطقوی و شخصی میباشد که بزودترین وقت بیاری خداوند متعال حل شدنی هست .

اگر احیاناً " در بعضی جاها مثل ارزگان قضایائی پیش می آید ریشه های منطقوی دارد ، و راه حل اینگونه بدست خود مردم منطقه و با همکاری گروههای اسلامی امکان پذیر میباشد . مثلاً " قبلاً " اگر کسی در اثر مقاصد شخصی خویش یکعده را جمع نموده

لشکرکشی و جنگ‌راه می انداختند مردم بامسائل آشنائی چندانی نداشتند و از نگاه شعورسیاسی هم در سطح خیلی پائین قرار داشتند و فعلا " مردم بامسائل آشنائی پیدا کرده اند و شما مطمئن باشید که اینگونه قضایا بزودترین فرصت حل شدنمی است انشاء الله .

س ۶ : - وضعیت نیروهای رزمی سازمان نصر را در داخل کشور چگونه دیدید و از دیدگاه اقتصادی ، سازمان در چه وضعی قرار دارد ؟

ج ۶ : - از لحاظ اقتصادی کلا " مردم افغانستان در اثر ظلم و بیداد حکومت گذشته در فقر نگه داشته شده و مردم افغانستان يك مردم فقير ميباشند . و در عين حال قانع و بایک زندگی ساده می سازند و قناعت دارند و یکی از امتیازات جهاد مقدس ملت ما در این است که از لحاظ اقتصادی تکیه بخود دارد ، و پیشه ، اکثر مناطق زراعت و مالداري میباشد که احتیاجات خود را از این طریق برطرف می سازند .

نیروهای رزمی سازمان از لحاظ رزمی الحمد الله در يك وضعیت خیلی عالی قرار دارد و سازمان در سیزده - چهارده ولایت که حضور دارند و قبلا " بعرض تان رسانده شد دارای يك برنامه ریزی دقیق و منظم میباشد و فعلا " تعلیمات نظامی و آموزش انفجارات و ... در داخل کشور صورت می گیرد و ادامه دارد .

س ۷ : - شما از پایگاههای نظامی سازمان در داخل کشور نام بردید ، خواهش میکنیم پایگاههای عمده سازمان نصر در داخل را نام ببرید و درین مدت که شما در آنجا بودید چه اقدامات از سوی پایگاههای سازمان علیه روسها و مزدوران شان صورت گرفته است ؟

ج ۷ : - سازمان در چهارده ولایت و دارای (۵۲) پایگاه نظامی میباشد که عبارتند از ولایت بامیان ، ارزگان ، میدان ، پروان ، چغچران ، هلمند ، بغلان ، سمنگان ، جوزجان ، بلخ ، غزنی و غیره . و هر کدام به سهم خود ضربات سنگین و مهلك بر پیکر

پوسیده روسهای وحشی و مزدوران وارد می آورند . مثلاً " در پایگاه نظامی شولگره ولایت بلخ نیروهای رزمی سازمان با همکاری برادران جمعیت اسلامی عملیات قهرمانانه و بیروزمندانۀ ای را انجام دادند که چندین عراده تانک و زرهپوش منهدم و صدها مزدور - روس هلاک و غنائیم و مهبات زیادی سالم بدست رزمندگان توانمند اسلام افتاد که گزارش آن در بولتن خبری شماره (۲۳) سازمان نیز به نشر رسید ."

س ۸ : - شما در اینجا از عملیات شولگر نام بردید ، که اینجا از سوی بعضی کسانی که تازه از داخل آمده ، همان طور که شما از شولگر نام بردید و عملیات شولگر علیه روسها و دولت ، اینها برخی شایعات درست کردند که افراد نفوذی دولت در سازمان در نواحی شولگر نفوذ کرده و تعداد آنها دستگیر و اعدام شده و بجای شایعات گسترده است که میگویند اکثر بچه های سازمان در نواحی شولگر ارتباط با دولت دارند . شما درین مورد روشنی باندازید .

ج ۸ : - شایعاتی که در رابطه با افراد نفوذی در سازمان دروغ هست و اینکه عوامل دولت در منطقه تحت تسلط سازمان بوده ، منطقه وسیع هست و عوامل نفوذی دولت هم بوده و آنها در هنگام آمدن و شناسائی پایگاههای مجاهدین و دادن اطلاعات به دولت نقش فعال داشتند که تمامی آنها توسط نیروهای سازمان شناسائی شدند و بعداً شکست دولت ، یکتعداد از آنها دستگیر محاکمه می شوند و یکتعداد دیگر از آنها با دولت می روند .

س ۹ : - مردم افغانستان در شرایط فعلی بیشتر به چه نیاز دارند و نیاز پایگاههای نظامی سازمان نصر به چه بیشتر است ؟

ج ۹ : - مسئله اصلی در افغانستان به عقیده من استقلال افغانستان است و عمده ترین مسئله است که زیر پا شده و بعد از آن ، مسئله نظامی است . که درین قسمت

مجاهدین هرچه پخته تر و باتجربه تر و ورزیده تر شود این مسئله بسیار مهم است چون دشمن هر افغانستان آمده که يك ارتش ضعیف و ناتوان نیست . يك ارتش بسیار قدرتمند که با پیشرفته ترین سلاحهای روسیه مجهز میباشند . و اگر ما بخواهیم استقلال خود را حفظ کنیم و اگر بخواهیم اسلام را در افغانستان پیاده نمائیم و اگر بخواهیم ما همین آواره گی و بدبختی ها را از سر مردم دور کنیم ، این مسئله است . بقول آقای هاشمی رفسنجانی ما باید موتور جنگی دشمن را خراب نمائیم و از بین ببریم این مسئله است . و درکنار این مسائل طبیعی است که انقلاب اسلامی یعنی هدف ما تطبیق يك انقلاب اسلامی است و آنهم تنها در بُعد نظامی نمی شود . باید تمام ابعاد را در نظر داشته باشیم ، باید کادرهای بسیار مخلص ، ورزیده سیاستمدار و آنهایی که از عمق درد ملت ما آشنائی داشته باشند ، از نگاه فرهنگی ، تعلیم و تربیت حتی در زمینه های اقتصادی باید طرح ها و پلان ها ریخته که اینها همه اش لازم است ولی وقتی دسته بندی نمائیم مسئله نظامی در اولویت هست چون اگر از نظر نظامی ما ضعیف شدیم در مسائل دیگر قطعاً " شکست خواهیم خورد و بدان جهت در مسائل نظامی اهمیت بیشتر قائل باشیم .

س ۱۰ : - روسها در طرحهای اخیر خود از جمله اعلان آتش بس يك جانبه ، مصالحه ملی ، تشکیل حکومت ائتلافی ، دعوت از ظاهر شاه خائن و دهها ترفند دیگر تاجه حد موفق بوده و شما در قبال این طرحها و دسیسه ها چه اقدامات انجام داده اید و تاجه حد درخشنی سازی توطئه های دشمن موفق بودید ؟

ج ۱۰ : - بعد از اینکه رادیو کابل اعلان آتش بس و مسئله آشتی ملی و دعوت از سران قبایل و مسئله ظاهر شاه بلافاصله ، ما طی يك اعلامیه سیاسی نظامی این مسئله را قاطعانه رد نمودیم و تمام قوماندان های ولایات جمع شده بودند و بیانیه را امضاء

نمودند و اعلان نمودند که : " ماتازمانیکه يك سرباز روسی در افغانستان است در جهاد مسلحانه خود ادامه می دهیم .

روسها درین مورد قطعاً " توفیق نداشتند و شما آمار تلفات روسها را قبل از آتش بس و بعد از آن یعنی بعد از تاریخ اعلان آتش بس و ببینید که در طول شش ماه چقدر تلفات داشته و قبل از اعلان آتش بس چقدر تلفات داشته و شما مقایسه کنید که نسبت به گذشته هنوز شدت عمل مجاهدین و تلفات و خسارات روسها بیشتر بوده .

اگر ما اهداف روسیه را در نظر بگیریم ، به اعتقاد ما ، روسها قطعاً " در مسائل بین المللی اش و همینطور در مسائل منطقه ای ، از اهداف استراتژیکی خود قطعاً " دست بردار نیست و هیچوقت راضی نخواهد که اهداف عمده روسها در افغانستان بسوزد ولی این طرحها را بخاطر این می ریزند که در افغانستان با دعوت ظاهر خائن یا جمع کردن سران اقوام و قبایل ، با تشکیل شوراهای از قبیل شورای ملیت هزاره یا جرگه های قومی و قبیله ای و با آوردن چمکنی ، با جمع کردن اینها تظاهریه اسلام بکنند و حتی گفته اند که بیا کنید وزارت خانه هارا بگیرید در مجموع این طرحها نمایانگر اینست که روسها میخواهند پایه خود را محکمتر کند و هم چنین در بین مجاهدین اختلاف ایجاد نمایند . خلاصه تمام تلاش روسها ، هدف روسها از این آتش بس و آشتی ملی و تمویب قانون اساسی ، دعوت از ظاهر شاه خائن و سران اقوام و قبایل میخواهد يك دولت با محتوی و کیفیت و ماهیت روسی در افغانستان ثابت و مستقر شود و نیروهای خود را از افغانستان خارج کند و بدان منظور از ظاهر شاه خائن دعوت کرد و حتی ریاست را وعده دادند . و تازمانی که روسها اطمینان نکنند که دولت آشتی ملی که کیفیت و ماهیت روسی دارد در افغانستان مستقر ننماید از افغانستان خارج نخواهد شد ، کنفرانس ژنو را خود روسها خراب میکند و بکروز مسئله جدول بندی زمانی را پیش می کشند

که درجه تاریخ خارج شوند مسئله ۱۸ ماه و ۷ ماه مطرح می شود و می بینید که در وقتی که مذاکره ژنو بین وزیر خارجه پاکستان و وزیر خارجه دولت مزدور روس تحت نظر کوردوز صورت می گیرد ، پاکستان را بمباران می کنند این خودش خراب کردن مذاکره است و ما بارها اعلام نموده ایم و باز هم اعلام میداریم که اینگونه مسائل جز ترغیب های سیاسی تبلیغاتی و فریب ملت ها چیزی دیگر نیست و نمی تواند باشد .

س ۱۱ : - گرچه شما توافق شرق و غرب در مسئله افغانستان را رد کردید ، باز هم از تلاش های گسترده شرق و غرب پیداست که قصد دارند ظاهر شاه خائن را بقدرت برسانند همانطوری که نجیب هم رفته با خود ظاهر شاه دیدار کرده و قبل از آن نجیب در روز نامه پراودا مصاحبه کرده بود که ماحتی اگر قربانی هم شویم حاضریم برای پیشرفت انقلاب قربانی شویم ، آیا بنظر شما این واقعیت دارد یا صرفاً " يك مانور تبلیغاتی است ؟

ج ۱۱ : - این يك تلاش يك جانبه از طرف روسها است ، توافق نیست برای اینكه چراغ سبزی به ظاهرشان نشان داده باشد میگوید بیايد در دولت آشتی ملی شرکت کنند یا ریاست را صاحب شود و میگوید من می روم کنار ، این طرح روسها میباشد ودولتی که باید در افغانستان سرکار آید باید ماهیت روسی داشته باشد و همان دولت چپی ودولت دیموکراتیک خلق باشد ولی اینها همه طرح روسها بوده و يك جانبه میباشد . ولسی احتمال دارد در قضیه افغانستان يك روزی شرق و غرب بنشینند توافق کنند و يك دولتی را روی کار بیاورند که حافظ منافع هر دو ابر قدرت جهان خوار حفظ شود ولی فعلاً بعید بنظر می رسد اینکار .

س ۱۲ : - بنظر شما ظاهر خائن خواهد آمد یا خیر ؟ گرچه از قول گیلانی فاش شده که رفتیم ظاهر را گفتیم ظاهر میل به آمدن نداشت و از نگاه جسمی هم بحدی است که نمی تواند خودش راه برود ، باتکیه راه می رود ، از نگاه روانی هم در حالت بسیار بدی

قرار دارد اما باز هم در رسانه های گروهی جهان طوری مطرح می شود که ظاهر را بـ يـك شخصیت سرحال و فعال جلوه می دهند از جمله نشریه افغان نیوز می گوید : که ظاهر کسی است که با تجربه چندین ساله از حکومت میتواند این کشور را اداره کند . این نشریه ، تقریبا " يـك فرشته نجات ظاهر را معرفی میکند ، شما درین باره چه نظر دارید ؟

ج ۱۲ : - ظاهر مریض هست ، سن اش هم بسیار رفته بالا ، از نگاه روحی روان سالم ندارد ، دارای تعادل روانی نیست و این چیزها کلا " تاءئید شده است اما اینکه فرمودید در افغانستان می آید ، با توجه به این ضعف های فیزیکی و روحی که درین آدم است ، حالا اینطور هم اگر فرض کنیم که او يـك آدم سالم است ، از نظر جسمی هم خوب است ، او در افغانستان قطعا " جای پا ندارد . يـك تصویب بین المللی هم اگر شود و روسها و امریکا هم اگر توافق نمایند در قضیه افغانستان احتمال دارد او را که بیاورند .

س ۱۳ : - بر فرض اگر توافق شرق و غرب صورت بگیرد ، شما برای اینکه توافق فعلی را رد می کنید و ظاهر هم در افغانستان بقدرت برسد چه تحولات پیش خواهد آمد ؟

ج ۱۳ : - اینها قطعا " نمی توانند اوضاع افغانستان را کنترل کنند اگر هم بآوردن ظاهر هم توافق کنند . چون ابتکار عمل در دست نیروهای هست که در داخل افغانستان با يـك هدف مشخص می رزمند . اساسا " برداشت ما این است که ابتکار عمل روح جهاد جوهر جهاد و ماهیت جهاد است نیروهای مردمی است ، اهداف همه برای اینها مشخص است و آنها تازمانی به خواسته های خود نرسند و برخواسته های برحق شان جامه عمل نپوشانند و این جریان های مبارز اسلامی تازمانی که خواسته های برحق آنها در افغانستان عملی نشود آرام نخواهند گرفت و قطعا " شرق و غرب

هم توافق اگر کنند اوضاع افغانستان را کنترل خواهند توانست .

س ۱۴ : - بادر نظر داشت که شما تحلیل می کنید که ابتکار عمل در داخل جبهات در افغانستان و در کل افغانستان بدست مجاهدین و نیروهای رزمی است اما بوضوح مشاهده می کنیم که ابتکار عمل سیاسی در خارج از مرز های افغانستان در دست دشمن است در دست روسهاست ، با طرحهای سیاسی تبلیغاتی شان همواره ســرــان و سیاستمداران افغانستان را بدنبال خود می کشانند . از جمله مصالحه ملی یا آشتی ملی یا آتش بس يك جانبه و دهها ترفند دیگر که قبلا " نام بردیم . ما می بینیم که گروهها یا سران گروهها عکس العملی انجام وظیفه می کنند . بدنبال این دولت موقت مطرح می شود و همچنین ائتلاف هشت گانه در ایران مطرح می شود . خواهشمندیم بادر نظر داشت این مسائل طرحی را که در مورد افغانستان شما در نظر دارید ارائه دهید تا يك راهگشای برای ملت باشد و از این سرگردانی نجات یابد .

ج ۱۴ : - ما قبلا " اظهار نمودیم که مسائل داخل افغانستان عمده است . طرحی که ما برای مسئله فرض می کنیم که نیروهای روسیه از افغانستان خارج شد ، تا زمانی که نیروهای روسیه در افغانستان باشد اعتقاد همه مردم افغانستان و اعتقاد ما هم همین هست که جهاد مسلحانه را با شدت هر چه بیشتر ادامه داد . بنابراین مذاکره رد میشود در اینجا وقتی که روسها در افغانستان است ما وقتی که اعتقاد داریم تا زمانی که يك سرباز روسی در افغانستان است جهاد مسلحانه را ادامه میدهم . بنابراین در شرایط اشغال ، مذاکره با روسها در ژنو و در هر جای دیگر هم باشد مردود است ، کاروانهای نظامی در هر جا که میروند با يك خسارات بسیار سنگین اینها برمی گردند . نمونه های زیادی ما درین قسمت داریم مثلا " کاروان که در قندهار آمد یا آن کاروان سنگین که به شولگر آمده بود و یا همین حمله سنگین که در میدان کردند اینها وقتی به کابل

برگشتند بایک تلفات بسیار سنگین و در هر جا که بارزمنندگان توانمند اسلام رو برو می شوند با تلفات جانی و مالی زیاد شکست خورده بر می گردند .

س ۱۵ : - البته شما از تشکیلات جدید در داخل نامبردید بفرمائید در خارج از کشور چه طرح را روی دست دارید ؟

ج ۱۵ : - در سطح سازمان ؟ بلی ! ما بر اساس همان اساسنامه که در داخل مسئولین صاحب اختیار (آینده سازمان) اساسنامه را تنظیم کردیم بر اساس همین اساسنامه مسائل خارج را هم سازمان می دهیم . کل مسائل خارج در چوکات همین اساسنامه تنظیم می گردد . البته امکان دارد بعضی بردها در خارج مصداق نداشته باشد یعنی بعضی موضوعات که در اساسنامه آمده در خارج شاید موضوعیت نداشته باشد .

مثلاً " بعد نظامی ، بعد نظامی در داخل است این مسئله در خارج موضوعیت ندارد . اساسنامه در داخل از طرف اکثریت برادران تنظیم شده و آنها آشنائی کامل به قضایای داخل داشتند و هم آشنائی کامل به قضایای خارج ، متناسب با همین مسائل اساسنامه ترتیب داده شد .

س ۱۶ : - نظرتان درباره بولتن خبری سازمان نصر چیست و برای پربار شدن آن چه پیشنهاد را ارائه می دهید ؟ و نیز بگوئید مجاهدین سازمان نصر در داخل کشور درباره آن چه نظر دارند ؟

ج ۱۶ : - کلاً " نشریات در ارتباط با نهضت اسلامی افغانستان در ارتباط با همان جهاد افغانستان مطرح است ، بسیار ارزش دارد . من عقیده دارم که عمده ترین رسالت و اصلی ترین رسالت برادران ما در خارج از کشور دست زدن به همین مسائل است . اگر ما در داخل کشور بعد نظامی را عمده می دانیم در خارج همین نشریات از قبیل بولتن خبری و نشریات ازین قبیل . اینها بسیار ارزشمند است و مردم در داخل بسیار علاقه دارند که

مطالعه نمایند اینگونه نشریات را و به آسانی بدسترس آنها قرار نمی گیرند . باید يك ترتيب داده شود كه نشریات در داخل افغانستان درسنگرها پخش شود كه خیلی موثر واقع می شود .

در داخل همینكه فهمیدند نشریه آمده فوراً " نفر می فرستادند و زحمت های زیاد می کشیدند حتی ده روز الی پانزده روز وقت صرف می کردند كه يك نشریه را از يك پایگاه ببرند . و بنظر من پربار گردانیدنش هم همین مسائل روز و واقعه های روز كه واقع می شود گنجانیده شود و مصاحبه ها و گزارش ها و اوضاع اجتماعی مردم در پهلوی اضافه شود و منعكس شود . مسلماً " پربار می گردد .

س ۱۷ :- چه طرح دارید كه دلسردی ها و ناامیدی ها كه در خارج ایجاد شده برطرف شود ؟

ج ۱۷ :- یگانه علاج آن پیوند دادن مهاجرین با جهاد و مجاهدین در داخل کشور است كه باید در این رابطه نشریات مسائل را مطرح نماید و مهاجرین را بطرف داخل افغانستان و جهاد افغانستان بكشانند و از طریق جلسه ها و سمینارها و سخنرانی ها ب مردم اعلام شود كه باید از مسائل شان آگاه شوند و هرگاه مردم آینده و راه شان را همواره دید حرکت می كنند .

والسلام .





بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۲

به پیش به سوی استقرار جمهوری اسلامی در افغانستان!